# مرواریدهای دل

جناب عبدالقادر گیلانی

# مرواریدهای دل - هشدارها

ازسخنان جناب عبدالقادرگیلانی

نام کتاب : مراوریدهای دل-هشدارها

اثر : حضرت عبدالقادرگیلانی

ناشر ترکی : bahar yayinlari

سال نشر : 2007

ترجمه به فارسی: ح.ک.مقدم

بسم الله الرّحمن الرّحیم

***وعظ اوّل***

برادر وخواهرجوانم، اول مشغول نفس خود شو، به آن نصیحت کن، بعد به دیگران...

مشغول رفع ناهنجاریهای نفس خودشو ، آن را رها نکن و مشغول دیگران نشو

دقت کن که از باقی عمرت برای اصلاح نمودن خویش فقط،چندروز باقی مانده، بله فقط چند روز.....

باید بدانی که اگر نتوانی عالم درون خودرا درک نمائی نمیتوانی دیگران را نجات دهی.

با این حال چطور میتوانی خود را رهاکرده ومشغول دیگران شوی؟زیرا تنهاکسانی میتوانند به انسانها راه نشان داده وآنان را رهبری نمایند که چشم قلبشان باز باشد، ومردم را تنها کسانی میتوانند از دریای گناه نجات دهند که خود شناگر باشند.وبه تعبیردیگر انسانها را تنهااشخاصی میتوانند به کسانی تبدیل کنند که خداوند را میشناسند ، که خودشان خداوند را شناخته باشند.بدبختانی که خداوند را نمی شناسند چگونه میتوانندبا این کارمتعالی دیگران را راهنمایی کنند؟

عقلت را خوب به کارانداز،توحقّ صحبت در ملکی که صاحبش ،خداوند،درآن تصرّف نموده را نداری.زیرا همه چیز ازآن اوست وتو تنهاپس از اینکه با درک تصرّف کامل او، با کمال علاقه، تنها وتنها با عمل نمودن برای اوست که میتوانی عملی انجام دهی نه برای کس دیگر واین نیز با قلب و دل انجام شدنی است ،نه با لق لقه زبان.

فراموش نکن ،اگرتوحید در درب خانه و شرک در داخل خانه باشد ،این عین نفاق است.اگر معنای واقعی این را متوجه نشدی وای برتو.

زبانت کلمات شکر وتقوی را تکرار میکند اما قلبت فسق و فجور را.

زبانت شکر میگویداما قلبت از آن رو برمیگرداند.

جناب الله در حدیثی قدسی به این اشاره می فرمایند:

" یابن آدم خیری الیک نازل و شرّک الیّ صاعد"

ای فرزندآدم ،خیروبرکت من به سوی تو نازل میشود، اما شرّتوست که به طرف من صعود می کند.

ای وای برتو،باز هم ای وای برتو، بندگی خدا را ادعا میکنی ،درحالیکه از دیگری اطاعت میکنی. درحقیقت اگربنده او میبودی فقط برای او دشمنی میکردی و فقط برای او دوستی میکردی.... کجاست؟

تو بیا و دیگر اینگونه شرک را رها کن.

خداوند عزیزوجلیل را دریاب...زیرا خالق همه اشیاء وهمه چیز اوست.

اگرعکس این را بیندیشی جزو عاقلان به حساب نخواهی آمد. درخزانه خدا چه چیزهایی که هست..همه چیز در آنجا موجود است.

در آیه ۲۱ سوره حجر با اشاره به این میفرماید :

***" وان من شیء الا عندنا خزائنه وما ننزّل الا بقدر معلوم "***

***" خزانه های همه چیزنزدماست، چیزی وجود ندارد مگر اینکه خزانه های آن نزدماست.ما آن را تنها به مقداری معلوم نازل می کنیم."***

ای خواهرو برادر جوانم ،تنها زمانی که بتوانی رشته اسباب راaز هم بدری، میتوانی به مسبّب برسی،زمانی که بتوانی عادات خود را ازهم بدری ، خواهی دیدکه عادات برایت قابل کنترل خواهدبود.اگرشخص، از صمیم قلب به خدا خدمت کند، به او خدمت خواهدشد.اگر به خدا اطاعت کند ، به او اطاعت خواهدشد.اگر به خداوند خوبی نماید، خوبی نموده خواهدشد.به کسی که

تلاش برای تقرّب مینماید،تقرّب خواهدشد.کسی که تواضع میکند،بالا برده خواهدشد.کسی که ادب وتربیت خویش را زیبا مینماید، تقرّب خواهد دید..

بله ادب زیبا تورا به حق نزدیک مینماید، اخلاق نازیبا تو را از او دور مینماید.ادب واخلاق زیبا ، طاعت و عبادتی در برابر خداوند است، درحالیکه ادب زشت نوعی عصیان وگستاخی در مقابل اوست.

ای راهرو راه حقّ ، قبل از رسیدن به آخرت ، دراین دنیا در محاسبه نفس خویش عجله کن .

غیر از این برای بنده مومن در سائراحوال سه چیز لازم است:

یک - گردن نهادن به اوامر الهی بدون قید وشرط.

دو- گریختن از هرچه که او منع نموده است.

سه-  راضی بودن به تقدیر.

بله رفتار و زندگی یک مومن خالی از این سه وجه نمیباشد.دراین صورت براو لازم است که این را به نفس خود بفهماند ودر سائر احوال خودنیز به نفس وتمامی اعضای خود این رابفهماند.

ای خواهرو برادر جوانم ،زمانی که ایمانت روبه ضعف گذاشت،با نفست و مرداب هائی که آن را در او فروبرده به شکل جدّی مشغول شو.ودر هنگام حرکت در این راه ،دیگر تورا زن وفرزند و همسایه ،فامیل ،شهرت و اقلیمت به

خود مشغول نسازند،زیرا عالم درونت درحال گذراندن زلزله های سختی است،نفس وشهوت  بر  ایمان و عرفان غالب آمده است.اول لازم است این را اصلاح کنی.وقتی ایمانت به سلامت رسید دیگر به طرف زن و فرزندانت ، بستگان و متعلقات و جامعه ای که به آن تعلق داشته ای برو.اما تا زره تقوی رابرتن ننموده ای و بر روی قلبت محافظ ایمان را نگذاشته ای ،تا در دست ،شمشیرتوحید و در تیردانت ،تیرهای دعای مقبول نداری ، مطلقا در مقابل اینان قرارمگیر.بله در چنین وضعیتی که توضیح دادم، بر اسب توفیق سوارشو. ورود به جنگ ،راههای مبارزه ،ضربه زدن، تیرنشاندن و محافظت در برابر تیرهای دشمن را بخوبی یادبگیر...سپس وارد مرحله حمله به دشمنان حق شو....ودر آن زمان است که یاری الهی  از شش جهت برایت می آید .زمانی که مظهر این لطف شدی میتوانی مردم را از دست شیطان نجات بدهی و به در خانه حضرت حق که عزیز و جلیل است ،ببری. در این وضعیت به آنان اعمال اهل بهشت را امر نموده وایشان را ازاعمال اهل جهنم منع می نمائی، زیرا تو دیگر میدانی که بهشت وجهنم چیست واهل این دو راهم میتوتنی ادراک کنی...هرکه به این مقام نائل شد ،پرده های کثیف از روی چشم قلبش برمی خیزد.ازهرکدام از شش جهت که نگاه کند،حجابهای موجود در آن جهت را گسسته و از آن عبور مینماید.زمانی که سربلندنماید ،قلبش قادر به دیدن عرش وآسمانها میشود، وزمانی که سر را به طرف زمین خم نماید، طبقات زمین و جن هایی که درآنجا مسکن نموده اند رامیتواند مشاهده نماید.تنها عامل آنچه

که شمردم ،ایمان حقیقی و معرفت نسبت به حق و در عین حال دانستن حکمت این دو است.وقتی تو به این مقام رسیدی خلق را به درخانه حق برسان... قبل از این بسیار با دقت باش که از تو چیزی صادرنشود( گناه یا عصیان) ... زیرا تا زمانی که قبل از رسیدن به در خانه حق ،خلق را به آنجا دعوت کنی این تنها وبالی برای تو خواهدبود. حمل سنگینی این وبال آنقدردشواراست که هرقدر که تلاش برای مقاومت و ایستادن کنی بازهم فرو میریزی وهرقدر بدنبال رفعت مقام تلاش کنی باز پیوسته بازنده خواهی بود...در این صورت درمیان صالحان خبری از تو نخواهد بود ،توتنها عبارت از لق لقه زبان توخالی هستی، زبانی بدون قلب هستی، ظاهری بدون باطن هستی، جلوتی بدون خلوتی، جلوتی بی صولتی، شمشیرت چوبی ،تیرت چوب کبریت است. ترسانی ،جسارتی نداری ،ساده ترین تیر، تورا نابود میکندوقیامتت را میتواند برپاکند. دقت کن ،بین مادشمنی وجود نداردوتو را در راه خدا به جهت نادرستی نمی کشانم.من باسخنان مشایخ ،با هوای خشن غربت وفقر تربیت شده ام.از این رو درصورتی که حرفی ازطرف من بسوی تو ظاهر شد، توآن را ازطرف خداوند بدان وبا کمال احترام بپذیر، زیرا آنکه مرا به سخن وامی دارد اوست. دایما ازحق پیروی کنید ، به بدعتها نگروید،اطاعت کنید ، عناد نکنید، خدا را واحد بدانید، مبتلا به شرک نشوید، حق را تصدیق کنید ، شکایت کننده نباشید، صبرکنید، ناله و بی صبری نکنید ، ثابت قدم باشید، بیزاری نشان ندهید، بخواهید ، خجالت نکشید، نظاره کنید ، به

نا امیدی نیفتید، برادر هم باشید ، باهم دشمنی نکنید ، براساس طاعت حق جمع شوید، متفرق نشویدو از هم جدا نشوید ،همدیگر را دوست بدارید ، به یکدیگر بغض نکنید ، خود را ازگناهان تمیز کنید، به باتلاق گناه و عصیان نیفتید ،وخود را کثیف نکنید، با بندگی راست و درست به پروردگارتان ، خود را بیابید ، از در خانه والای او جدا نشوید، به سوی او رو آورید ،به او پشت نکنید، توبه کنید ، خود رابیچاره نکنید ، شب و روز بدون وقفه کوتاهی های خودرا بر زبان آورید، به خالقتان آنها را عرض کنید. انجام به این شکل را هیچگاه احمال نکنید.امیداست که رحمت نموده خواهیدشد وبه سعادت نائل میشوید، وبصورت ابدی در این حال باقی مانده به زیباترین مرکب ها سوارشده با حوری ها وانواع عطرهای زیبا ونغمه های دل انگیز مست و حیران میشوید.درنتیجه با پیامبران ،صدّیقان ، شهدا وصالحین به مقامات

عالی و متعالی میرسید.

ای مومنانی که بدنبال سعادت ابدی هستید ازآنان نباشید که از وعظ های من پند نمی گیرند وازکسانی نباشید که به شنیده های خود عمل نمی کنند .سعی کنید همراه کسانی باشید که چشمانشان و گوشهایشان باز و قلبهایشان بیدار باشد.

فراموش نکنید که از دست رفتن دینتان به دلیل چهار چیز است :

یک - به دانسته هایتان عمل نمی کنید.

دو - به آنچه نمی دانید عمل می کنید.

سه - تلاش برای یادگرفتن آنچه که نمی دانید ، نمی کنید.

چهار - مردم را هم از یادگرفتن آنچه که شما نمی دانید منع می کنید.

## وعظ دوم

رضا به تقدیر

ای خواهروبرادر سالک راه حق،زمانی که سر بر بالش صبر گذاشتی، شمشیر رضا را بستی وبا اعتقاد تمام به انتظار لحظات سرور و خوشحالی ماندی ،آن زمان بی هیچ تردیدی با اعتقاد یک عابد در زیر سایه سار تقدیر آرام گیر.

اگربه چنین مرتبه ای برسی، الله تعالی ،صاحب همه تقدیرات و آنکه در تقدیراتش مطلقا خطا وجود ندارد، از عقل وکرم و لطف و منّت خویش آنچه که نتوانی تمنّایش را نمایی و تمنّا ننموده ها را بر روی تو نازل می فرماید.

ای خواهر وبرادرم که نامزد سعادت ابدی هستی ،زمانی که بیماری برتو عارض شد وبرای مهمانی به سوی تو آمد، آن را باتشریفات خاصّ صبر استقبال نما. تازمانی که راه علاج آن یافت شود ، آرام باش وپرامید.زمانی هم که شفا یافتی آن را با دست شکر استقبال نما و لحظه ای از خاطرت خارج مکن که شفا دهنده اصلی الله تعالی است.

زمانی که به این سطح نائل شوی ، به نظمی در زندگی خواهی رسید.

بله برادرم، درمواردی که حق تعالی تقدیرنموده اند ،فقط تسلیم او باش، سپس به همراه او بلند شو وبراه بیفت ( حرکاتت در حدّی باشد که موجب رضای او گردد)هرچیزمحتاج به یک پی واساس و سپس به برپائی ، نیاز دارد.

این حکمت را درک کن و هر زمان شب و روز آن را ادمه بده .

ای فقیر ،تورا صدا می زنم ( منطورم به توست) ثروتی که منجر به غرور وفراموشی حق گردد را طلب مکن ،بعدا میتواند سبب هلاک تو گردد.

تو هم ای برادر و خواهر بیمارم ،یک عافیت خشک وخالی نخواه، فراموش نکن که بخشنده واقعی عافیت و سلامتی الله است ،اگر فراموش کنی هلاک خواهی شد، ( آن سلامتی که محروم از معنویت باشد ،مرکبی برای نفس وشهوت است، آرزوی بدست آوردن چنین مرکبی راننما )

عقلت را خوب بکار ببند، میوه های ایمان را آن چنانکه باید محافظت نما که

لایق مدح گردد، از خزانه رزق به آنچه که بدست انعام حق به توبخشیده میشود قناعت نما.با درک اینکه ازکجا آمده ،بیش از آن را مخواه ،چونکه آنچه راکه جناب حق از سرنیاز ها وطلب های خالی ازشعور تو به تو خواهدداد،میتواندباعث غصّه واندوه توگردد.

بله من این را به دفعات تجربه نمودم، مگر آنکه به عبد اجازه داده شود که باقلبش نیازنماید، یعنی در این خصوص به او اشارتی معنوی رسیده باشد،وقتی چنین اشارت وامری واقع گردید،دیگر عبد در آنچه که نیاز نماید لایق تبریک ومتبرّک شده وغصّه ها از او زائل میگردد.اما اکثر نیازهای تو عفو و عافیت باشد.بله به این قناعت کن، این تو را کافیست.

دربرابر الله تخیّر مکن ( یعنی انتخاب کسی که درمیان یکی از دو انتخاب آزاد ورها باشد) وبا تخیّر دربرابر الله ، عرض اندام مکن.دربرابر الله زورگوئی در پیش نگیر که بعد او تو را هلاک خواهدکرد. و هم در مقابل الله ومخلوقات او، با جوانیت ،قدرتت، دارائیت و زور را بکار مبر، زیرا آنکه تورا با قدرت نگاه داشته واز این رو به آن رو می نماید اوست.

فراموش،نکن که دربرابرعمل تو ،واکنش او بسیار دردناک وبا شدّت خواهدبود.

زنهار ،زنهار، برسر متاع دنیا ،بر سرآنچه باعث شادی میشود با دیگران ستیزه مکن، چونکه اینگونه چیزها، زمانی به تو تسلیم می گردند وزمانی از دست میروند، در آن زمان است که از اندوه ناشی از دست دادن نعمت هلاک میشوی، از مرتبه ای،که بدان نائل شده ای سقوط نموده در وضعیتی رذالت بار ، رسوا میشوی.

آن قسمت و روزی،که توسّط جناب حق برای تو تعیین شده چگونه با ستیزه ودعوا وفغان و غوغای تو میتواند تغییر کند؟این ممکن نیست.

درخصوص رزق نیزعلم وتقدیر جناب حق از ازل تعیین شده است، حال که چنین است،اگرتو درخصوص خود یا دیگری درمورد علم الله جل جلاله که بر هرچیز سبقت دارد مجادله کنی از نظر رحمت او فرو خواهی افتاد و پست وپست تر خواهی شد.درآن زمان دانش تو هیچ سودی برایت نخواهدداشت زیرا درمورد آنچه که در آغاز بوده نیز سودمند نبوده .با اشاره به این است که الله تعالی میفرمایند :

***" و وجوه یومیذ باسره ،تظن ان یفعل بها فاقره " ( قیامت ۲۴)***

***" صورتهایی هست درآن روز که ذلیل وحقیر هستند، خواهنددریافت که برسرشان چیزی خواهدآمد که استخوانهای کمرشان را خواهد شکست."***

زمانی که علمت نفعی به حال تو نمی رساند بلافاصله به درگاه الله تعالی توبه کن .قایق قلبت به جائی برسدکه بدون ستیزومجادله راه حفاظت ازخود را بیابد.آن کسی که به سهمی که خدای تعالی برای او تعیین نموده راضی شده وبه سهم دیگری دست درازی ننماید.باصبر در انتظار برداشته شدن بلائی که برتو نازل شده باش ، زنهار نا امیدنشو... بعد از هر سختی گشایشی هست .

الله نیز هر روز درشانی است .ازقومی به قوم دیگر می رود،شان های متفاوت جلوه می نماید.دراین گذرها با او همراه شو.صبر را ازدست مده ،به تقدیر راضی باش، چونکه نمی دانی به یکباره میبینی که الله بعد از این وضعیّتی کاملا جدید پدیدار میسازد. اگرصبرکنی بلا را از تو برداشته ،سبک کرده وبرای تو چیزی پیش می آورد که دوست داری.اما اگر دربرابر بلائی که برتو نازل شده

عجز ولابه کنی ،ازحق روبرگردانی ، بلا رفته رفته برتوسنگین تر شده وازاین رو نیز مجازاتت بیشتر خواهدشد.

دلیل روی برگرداندنتان از الله چیست؟ دلیل ستیزه و مجادله با حضرتش رام یک سری از خواسته های غیر مشروع نفس شدن وتابع نفس شدن، ویا در پی منافع شخصی تان افتادن ، دنیا را دوست داشتن وبیش از حد حریص شدن است ، برای جمع کردن چیزهای دنیوی.

ای خواهر وبرادر جوانم ،رهاکن آرزو کردن آنچه را که برایت شده و یا هنوز نشده ، زیرا آرزوکردن آنچه که برایت تعیین نشده نتیجه ای جزخستگی برایت نخواهد داشت. آرزونمودن آنچه که تقسیم نشده نیز چیزی جز غضب و رسوائی نیست .از این روست که جناب پیامبرص می فرمایند :

***" یکی از مجازات هایی که خداوند به بنده اش میدهد ،آرزو کردن چیزی است که برای او تقسیم نشده است"***

ای خواهر وبرادرم که آرزو میکنی حقیقت را دریابی از خالق به مخلوق شگایت مبر، شکایتت را به درگاه مولایت ببر که قادر به هر چیزی است،

نه به دیگری . یکی از خزائن حقیقی بی پایان خوبی وزیبائی، پنهان نمودن سرّ مصیبات ، بیماری و صدقه است. خیلی دقت کن وقتی با دست راستت صدقه میدهی ،دست چپت از آن خبردار نشود.

روزی در خوابم مردی سالمند ازمن پرسید: کدام عمل است که انسان رابه خداوند نزدیک می نماید؟جواب دادم : این را آغازی ونهایتی است،آغازش با عفّت بودن واز حرام ها وشبهات اجتناب کردن ، نهایتش نیز رضا ، تسلیم و توکل است .

## وعظ سوّم

## ولایت

بندگان ولی خدا ( دوستان خدا) نسبت به دیگر انسانها کور و کر هستند ، از زمانی که قرب به الله درقلوب ایشان پیداشود دیگر سخنان دیگران را نمی شنوند.تقرّب ایشان را مست وحیران می نماید،هیبت الهی ایشان را از خود

بیخود می نماید.محبّت ایشان را به حضور محبوبشان می بندد.دیگر ایشان در جائی میان تجلّی صفات جلال وجمال هستند.نه به راست ،نه به چپ متمایل نمی شوند.ایشان را آینده ای هست که انسانها، جن ها ، فرشتگان ودیگر مخلوقات به ایشان خدمت می کنند، علم و حکمت واسطه ایشان است.فضیلت غذای ایشان است .انسیّت تشنگی ایشان را برطرف می نماید.ازفضل وکرم الله می خورند، از شراب دوستی می نوشند. سخنان خلق ایشان را مشغول نمی نماید.بله ایشان دریک وادی و مردم در یک وادی دیگر هستند. اوامر الله رابه خلق امر می نمایند. درحقیقت وارث پیامبران اینان هستند.تنها مشغولیت ایشان ، مردم را به سوی حق برگرداندن است.اشیاء را در جائی قرار میدهندکه لیاقتشان را دارند.باحکمت حرکت می نمایند،آنچه را که در شان فضیلت میباشد را می دهند.حق هیچکس را سلب نمی نمایند،برای نفس خود چیزی اختصاص نمی دهند.تنها برای الله عشق می ورزند. تنها بخاطر الله غضب می نمایند.بله همه چیزشان برای الله است، نه برای دیگری.

این اوصاف برتر که شمردیم ،درهرکس که کامل گردد،صحبت الهی برای وی کامل شده است، ودرهای نجات وفلاح برای وی گشوده میشوند.دیگرهمه مخلوقات ازجمله انسانها، جن ها، فرشته ها ، زمین ها ، آسمانها، او را دوست خواهند داشت.

حالا روی صحبتم با توست ای منافق، ای آنکه بندگیت برای خلق و وسائل است. وای آنکه حق را فراموش کرده ای   ای بدبخت، درهمان حال که بدیهای درونت را هنوز به همراه داری ،تلاش میکنی خودرا بجای اولیاء جابزنی،این

تلاش بیهوده است، زیرا تو نه کرامتی داری نه صاحب شرافتی هستی .اول تمام وکمال تسلیم حق شو، بعد توبه کن، سپس دراین خصوص صاحب دانش شو و رو به اعمال با اخلاص گذار ، وگرنه هدایت نخواهی یافت.

جناب الله پیامبرانش رابا کلام خویش و بندگان ولیّ خودرا با احادیث خود تربیت می نماید.مراد از حدیث الهامی است که به قلوب اولیاء نازل میشود زیرا اولیاء وارثان پیامبران هستند، خلفاء و خدمتگزاران پیامبران هستند.

اولیای الله درحضور حضرتش درمقام ادب هستند،تا اجازه صریح از حق نباشد، حرکت نمی نمایند، حتی قدمی برنمی دارند. تازمانی که به قلوبشان اجازه صریح الهام نشود، از غذاهای مباح هم نیز نمی خورند، نمی پوشند، نکاح انجام نمی دهندو تصرّف درهیچ سببی انجام نمی دهند . آنات با حق همراه هستند .ایشان قائم هستند به تنها کسی که قلبها و چشمها را حرکت میدهد.تا دراین دنیا باقلوبشان ودرآن دنیا با جسمشان به ربّشان متّصل نشوند ، آرام نگیرند.یعنی قلوبشان راحت نمی گیردتا زمانی که به وصال الله نرسند .

ای خواهر و برادر جوانم ، تمام عمرت از دوقدم تشکیل شده، یک قدمت در دنیا ،دیگری در آخرت است.توقدمت را بردار، تکمیل وبه پایان بردن آن با الله است.بله شروع کردن ازتو ، به پایان رساندن از الله است. اگر حال و اوضاعت

،حرف و رفتارت رابراساس حکم های ظاهری بنا نهی هیچکدام از افراد خلق قدرت به هم ریختن آن را نخواهد داشت، وتا زمانی که چنین انجام ندهی اوضاعت باثبات نخواهدشدوبه هیچ مقامی نیز واصل نخواهی شد.درچنین وضعیت پریشانت ،قلب صدّیقین نسبت به تو خشمگین شده و آرزو می کنند تو را نبینند.

ای آنانکه در باتلاق جهالت مانده اید ، به شما میگویم با ادب و تربیت وارد مجالس علما شوید، با کمال ادب در آن مجالس بنشینیدودر حالی که چنین می نمائید ،به ایشان اعتراض ننمائید.مرتّب در پی کسب فیض ازایشان ، نصیب بردن از علوّشان ونائل شدن به برکاتشان باشید، در مجالس عرفا نیز از نشستن با ادب و سکوت نمودن همراه با نزاکت کوتاهی ننمائید.با آرزوی بدست آوردن حال زاهدین درکنار ایشان بنشینید ،زیرا شخص عارف ازیک ساعت قبل خود ،بیشتر به قرب الله نائل میگردد.هرآن دربرابر پروردگارش احترام و خشوعش را تازه می نماید. در درگاه خانه حق ،هرلحظه با ادراک محویّت ،رفتاری ذلیل وحقیر در پیش می گیرد. دیگر او به چنان مرتبه ای صعود خواهدکردکه کسی که در آن مرتبه حضور دارد با ادب واحترام میترسد،اما ازآنچه پنهان است نمی ترسد.افزایش ترس متناسب است با نسبت تقرّبش به حق ، به همان نسبتی نیز که مشاهده میکند ،حزن و غمش افزوده میشود . الله نفس آن شخص را که می داند، طبیعتش وآرزوهای نفسانیش را بزبان می آورد،اما در مورد قلب سرّ ، حال و زبان مقام و جایگاه ، اوبرای اظهارنمودن نعماتی که به آن نائل شده

است سخن میگوید.   دراینجاست که اولیاء برای استفاده ازاینهاسکوت کرده ومی نشینند، وشرابهائی که از حوض های قلبشان فوّاره می زند را می نوشند.در آن صورت کسی که نشست وبرخاست وصحبت باعارفان را زیاد انجام دهد به نفس خویش آگاه شده ودراین حال وهوای دانش ،گردن دربرابر پروردگارش خم کرده ،کوچک میشود

***" آنکه خود را شناخت ،پروردگارش رانیز می شناسد"***

زیرا نفس پرده های کثیف میان بنده و پروردگارش میباشد.آنکه نفسش را شناخت، آن پرده را به کناری زده، دربرابر الله عزیزو جلیل و مخلوقات او متواضع وبا احترام خواهدبود. بدانکه به کسی که نفسش به اوشناسانده شده ،هم خیرات دنیا و هم خیرات آخرت تقدیرشده است.دیگرظاهراین شخص با شکر وباطن او با حمد پروردگارش مشغول است. عالم ظاهرش پراکنده وعالم باطنش جمع و مرتب است.اودرشادی پنهان ساختن این حال خود است .غمش در ظاهر است.اما حال عارف دراین خصوص مقداری برعکس حال مومن است.حزن اودرقلبش است، شادیش درصورتش .اودیگرمانند برده ای بر در خانه ایستاده است.نمی داند از اوچه خواسته خواهدشد،آیا مورد قبول واقع خواهدشد؟ آیا رد خواهدشد؟

آیا در بازخواهدشد؟ویا بسته خواهدماند،اینها را ادراک نمی نماید.

چنین است که آنکه نفسش را شناخت ،درتمام احوالاتش برعکس مومن است.مومن صاحب حال است،وحال او مرتب در تغییر است.دچار تغییر

میشود.عارفی که نفسش راشناخت ،صاحب مقام است.و مقام در اصل خود ثابت است.تغییر نمی پذیرد.مومن با تغییر حالش از زوال ایمانش می ترسد. از این روست که حزنش درحال سیر وگردش است. حرف زدنش باعث ایجاد تبسّم بر روی تو میشوداما قلبش از حزن در حال تکه تکه شدن است.درحالی که عارفی که نفسش را شناخته ،حزنش در صورتش است،زیرا اوبرای آگاه نمودن خلق از انجام اعمال ناشایست به چهره ای بیم دهنده در برابر مردم حاضر میشود.به مردم امر به نیکی می نماید،ایشان را از بدی ها منع می نماید.وتمامی اینها را وکالتا ازسوی رسول الله ص انجام میدهد.اولیاء براساس آنچه میشنوند عمل می نمایند.این عمل آنان را به الله عزیزوجلیل نزدیکتر می نماید.زیرا ایشان پندها را بدون واسطه وازراهی الهی توسط قلبشان می شنوند.واین میسّر نیست مگر درحالی که ازخلق به دور ، وبه

خالق نزدیک،  ودرحضور اوبا حالتی بیدار بودن.

بله ،اگرقلبت با این روش صحّت یافت،تودیگر تا ابد از خلق به دور یعنی غائب از ایشان ودربرابر ایشان خواب خواهی بود. اما دربرابر حق بیدار خواهی بود. راه های گسترده حق و حکمتهای حضرتش به صورتی پنهان به سوی تو می آیند . سرّالهی به سوی قلب مایل میشود.قلب به نفس مطمئنّه مایل میشود. نفس هم به سوی زبان متمایل میگردد.آنکه میخواهد با خلق سخن بگوید با این صفات سخن بگوید، اگر چنین صفاتی رابه همراه ندارد سخن نگوید.

ای برادر وخواهرجوانم ، حضرت محمّد ص درحالی که مقام پیامبری به او داده شده بود،سالها آن را از مردم پنهان داشت. زمانی که به او امرشد :

***" ای پیامبر ،وحی را که ازجانب پروردگارت به تو نازل شده را ابلاغ کن"***

از آن لحظه آغازبه تبلیغ فرمود.اما تو در همان لحظه ای که چیزی دیدی

بلافاصله آن را آشکارا بیان میکنی ....به طریقی ،نمیتوانی آن را مخفی نگاه داری. باتصوّر اینکه بقچه ای که درمقابلت به زمین افتاده از خانه خودت آمده ،بلافاصله آن را بازمی کنی وفریاد میزنی بیائید از من لباس بخرید.بدون اینکه بپرسی این بقچه ازکجا آمده ؟ شاید آن بقچه امانتی متعلق به

همسایه ات بوده باشد.

فراموش نکن که چهارچیز برای اصلاح قلب اساسی هستند :

یک - دقت به لقمه ای که میخوری .

دو- جداکردن زمان برای عبادت .

سه - محافظت از کرامات ( مخفی نگه داشتن آن و به اطراف پخش،نکردن).

چهار - ترک کردن هرآنچه انسان را از خدا باز میدارد.

اما درمورد دقت به لقمه ای که میخوری ، دراین خصوص درتو نسبت به آن هیچ خبری وهیچ صدایی نیست، فراموش نکن که انجام این خصوص ،تنها با دوری نمودن از خوراکیهای شفابخش حرام ویا شبهه دار ، با یادآوری اینکه در

حضور حق هستی وبه همراه اینها برای حفاظت از دینت با عزمی جدّی وبا میل وخواسته است، انجام پذیر است. آنکه مومن است درمورد آنچه میخورد و می آشامد حسّاس است. بسیار با دقّت است.گوشش را به کتاب خدا وسنّت رسول الله ص می سپرد.تا آنجا که در این راه تقرّب به مولای خویش حاصل کند .پس ازآن نیز امر اورا ابلاغ میکند ،آنچه را او منع فرموده منع میکند .آنچه را او یاد داده ،یاد میدهد،وبا یاری او یاری میرساند.قبل از مرگتان عهدتان با الله را تجدید کنید.زمانی  که گردوغبار برخاست ( ویا مرگ) ،این پندها را با وضوح بیشتر خواهید دید.

ای تنبل ها، ای نادان ها، ای غافل ها، با شما هستم ،مدتی بعد آن خبر را بهتر در خواهیدیافت.یعنی وقتی خبرمرگ به شما رسید، آن را قطعا دریافته ویاد خواهید گرفت.

## وعظ چهارم

### آداب خلوت

ای خواهرو برادر جوانم، تو محتاج خلوت هستی که در آن با دوری از گناهان ولغزشها ،حرامها وشبهات ،تورا یادآور رحمت حق گردد. بله در طول مدتی که در خلوت هستی دراین خصوص هم محتاج وهم مضطرّ محسوب

میشوی.داروئی که علاج این بیچارگی واحتیاج توباشد رانیز با صبروثبات میتوانی بدست آوری.از این به بعد ،محتاج مبارزه بانفس ،مبارزه با عادات ناپسند ومبارزه با شیطان هستی .پریشانی و ویرانی اکثر انسانهاناشی از لغزشهاست. ویرانی زاهدها از شهوتشان است. ویرانی ابدال از قسمی از افکارشان در خلوت و زوائد آن افکاراست.ویرانی صدّیقان درلحظاتی است که درآنها،ایشان مشغول تلاش برای محافظت ازقلبشان میباشند.زیراکه ایشان درآن لحظات کنار درگاه سرای جناب سلطان در حال خواب هستند.اما اولیاء درمقام دعوت هستند.خلق را دعوت به معرفت حق مینمایند و بی وقفه قلبها را ندا در میدهند که :

" ای قلبها ، ای روحها ، ای انسانها، ای جنها، ای آنانکه در پی صاحب حقیقی ملک هستید ،به پاخیزید ودربرابر درگاه خانه صاحب حقیقی حاضرشوید، با قدوم قلبهایتان ،با قدوم

تقوایتان وبا توحید ،معرفت ،عفّت ، وبا زهد آخرت بسوی درگاه خانه او رو کنید وتلاش نمائید ."

چنین است مشغولیّت اولیاء ،عزم وغیرت ایشان ، روشن نمودن خلق واصلاح ایشان. واما اگر از همّتشان بخواهید بدانید، همّتشان آسمانها ، زمین وعرش را دربرمیگیرد.

معنای خلوت ، جدایی قلبی از تمامی اشیاء ومنزّه شدن است، چنانکه عامل آن در حالیکه درعالم درون خود از اشیاء مجزّا شده و خود را ازآنها پاک کرده ،

بدون نیاز ، بدون آخرت ، وجدا شده از هرچیز بجز حق ، تجرّد حاصل نموده باشد، وچنین است راه تزکیه ای که تمامی پیامبران پیشین و

رسولان ، اولیاء وصالحان درپیش،گرفته اند.باگوش جان گوش بده ،ازنطرمن امربه خوبیها ومنع از ناپاکیها وزشتی ها خیلی بهتر از عبادت عابدان است. اگر ادب وتربیت خودرا به زیبائی نیارائی ،متابعت تو از حق تنها عبارت از حرف خواهدبود،دراین صورت نیز از خانه ادب درحالتی ذلیل وحقیر رانده خواهی شد، اما اگر ادب وتربیت خود را اصلاح کنی ،صاحب ادبی زیبا شوی ،با حق از درموافقت درآئی ،تو را درخانه ادب وتربیت خواهدنشاندوتو درآنجا عزّت واکرام خواهی دید .کسی که الله را دوست داشته ومحترم بدارد ،درنزد حضرتش میهمان محسوب میگردد.میهمان در نظر صاحبان خانه ،ازنظر خوردن وآشامیدن ،پوشش وسائر خصوص به حال خود واگذارده نیست.

بالعکس مجبوراست که به صاحبان خانه درهرخصوص ،حتی اکر برخلاف خواسته هایش باشد صبرنموده ،رضایت نشان دهد.هیچ تردیدی نیست که ازقلب آن شخصی که الله را بشناسد محبّت دنیا وآخرت و محبّت هرچیزی غیر ازخدا محو و زائل میگردد.دراینصورت مرگ برایت خیربیشتری خواهدداشت.ازمیان مردم خارج شو تا که الله را دریابی.معرفت درجات بسیار متفاوتی داردکه در پی یکدیگر هستند، با هم جمع نمیشوند.

بله هرآنچه دراین مقیاس باشد ،همیشه باهم در تضاد هستند ،آنهارا درکنارهم داشتن وجمع کردن را آرزو مکن. قلب خودرا که خانه الله عزیز وجلیل است

راباغیراو مشغول مکن.به خانه ای که درآن بُت ،مجسّمه، نقش صورت باشد، فرشتگان واردنمیشوند.اگر درقلبت یک سری صورت و بُت

موجود باشد چطور عشق الهی وارد آن خواهدشد؟

بله غیر از او هرچه قلب را به خود مَشغول نموده درآنجا سلطنت مستقر نماید، بُت شمرده میشود .دراین صورت هربتی راکه وارد خانه قلب میشود را بشکن وآنجا را تمیزکن.

یا رب ،مارا در هوای طاعت وعبادت خود احیاء فرما ،مارا با اهل عبادتی محشور فرما که به تو با راستی وپاکی بندگی مینمایندو در عرض عبودیّت قصور نمی ورزند.

در دنیا وآخرت به ما نیکی عطا فرما وما را از عذاب جهنم محافظت فرما.

## وعظ پنجم

### مجاهده بانفس

ای آنکه خدمتکار دربارگاه حق هستی، هم نفس وهم آرزوهای غیرمشروع آن راترک کن.خاکپای اولیاء شو. جناب الله ازمرده زنده و از زنده مرده میسازد.حضرت ابراهیم ع را ازپدری کافربه دنیا آورده است.مومن زنده است.

کافرمرده است.کسی که الله رابه یکتائی بشناسدموحد است .الله تعالی بااشاره به این در قسمتی از کلام خویش فرموده است:

***" اولین از مخلوقاتم که مرده است، ابلیس است."***

ای خواهروبرادر جوانم تو نه بانفس همراه شو ونه با آرزوهای شهوانی ، نه با دنیا همراه شو ،نه با آخرت. به غیر حق تبعیت نکن.اگرچنین نمایی به گنجی بی انتها خواهی پیوست .ازسوی الله عزیزوجلیل هدایتی بسویت خواهدآمد که در پی آن ضلالتی نخواهدبود.عزم وغیرت خودرا منعطف به چیزهای ساده ای مانند خوردن و نوشیدن و پوشیدن و ازدواج ننما. اینها هدف نیستندبلکه وسائلی هستند برای رسیدن به هدف .

وسائل را بجای هدف قرار مده. فراموش نکن که خواهش در مورد همه اینها ازنفس و طبیعت سرچشمه میگیرد.عزم وغیرت قلب و سرّ به کدام سو میباشد. دراصل یافتن جواب این سئوال لازم است .شک نداشته باش این چیزی جز طلب حق نیست .توباید همّت خودرا معطوف به مهمترین

مساله ات بنمائی.درآن صورت عزم وهمّت خودرا تنها برای پروردگارت وچیزهائی که در ارتباط با اوست قرار ده.درمقابل دنیا آخرت است ودرمقابل خلق ، خالق. بدانکه چگونه از دنیا به آخرت واز خلق به حق برسی.

هرچیزی که در این دنیا ترک نمائی را بهترش را درآخرت خواهی یافت. دیگر چنان خودرا حاصرکن گوئی ازعمرت تنها یک روز باقی مانده .خودرابعنوان هدفی برای رسیدن ملک الموت قبول کن یک روز آن تیر تورا لمس خواهدکرد.

ای سالک راه حقیقت ،با نعماتی که درآنها هستی خودرامغرور نکن ،زیراکه روزی ازهمه آنها جداشده وخواهی رفت.

به این فرموده جناب الله دقت کن :

*" قسم که ما به امتهای پیش ازتو نیزپیامبران فرستادیم اما بخاطر کفر وانکارشان ایشان رابافقرهای سخت ، مرضهای گوناگون گرفتارنمودیم ،باشد که التماس کرده توبه کنند . همانان آیا نمی بایست هنگام رسیدن عذابمان التماس میکردند. اما قلبهایشان سخت شده بود وشیطان بدیهائی راکه در*

*حال انجام آن بودند را برایشان زینت نموده بود. برای همین است که اینها زمانی که همه مواعظ وپندهایی که به ایشان داده شده بود را فراموش کردند، درهای همه نعمات را بر روی ایشان گشودیم ، درنهایت پس ازاینکه خودرا با آن نعمات در خوشی و رفاه حس کرده وبخود بالیدند ، به ناگهان گریبانشان را گرفتیم و تمامی امیدشان از دستشان رفت."*

*( سوره انعام -آیات چهل و دوم تا چهل و چهارم)*

## وعظ ششم

### علم وعمل

ای دانایی که علم رابه دیگران می آموزی ،مبادا تنها به کلمات اکتفا کرده و عمل را ترک نمائی.زمانی که بگوئی 'من عالمم' اگر با علمت عمل نکنی به نوعی داری دروغ میگوئی...درآن صورت علمی که به عمل نیاید چه فایده ای دارد وجدانت چطور راضی میشود که کاری انجام نداده ای ونتوانسته ای انجام دهی را به دیگران امر کنی .آیا الله عزیزوجلیل نمی فرماید که :

***" ای ایمان آورندگان چرا چیزهایی که عمل نمی کنید را بزبان می آورید.حرف زدن درمورد چیزی که بدان عمل نمی کنید در نزدخدا موجب غضب بزرگی میشود " (سوره صف.آیات دوم وسوم)***

براساس روایاتی که رسیده حضرت شیخ عبدالقادر در شبی ازشبها چنین دعا ونیاز فرموده اند :

یا رب مرا محروم مدار از چیزی که نافع است وبه تو ضرری نمی رساند.

ایشان سپس چنین توضیح دادند: این جمله را آنقدر تکرار کردم تا خواب مرا درگرفت .دران شب شخصی را درخواب دیدم که به من گفت:

" تو هم از اعمالی که نفعی برایت دارد غافل مشو  واز اعمالی که مضرّ هستند دوری کن. تودیگر مسائلت را توسط حضرت رسول الله ص تصحیح نما. به او اثبات کن که فردی ثابت قدم ودرست از امّت اوهستی.قبل از اینکه تابع اوگردی وبا سنّت اوعمل نمائی گفتن اینکه من از امّت او هستم نفعی برایت نخواهد داشت.زمانی که در سخنانت واعمالت مطابقت با رسول الله ص داشته باشی درآخرت ازجمله کسانی خواهی بود که وارد مجلس سخنرانی حضرتش خواهی شد.آیا این فرمایش الله را نشنیده ای که :

***" آنچه راکه پیامبر به شما داده بگیرید و ازآنچه نهی تان نموده دوری کنید.هشدار ،که از الله بترسید زیراکه عذاب الله خیلی سخت است "***

( سوره حشر آیه هفت)

دراین صورت به اوامر پیامبر با شدّت تمام بچسبید و دوری کنید ازآنچه او نهی فرموده است. فراموش نکنید که دراین دنیا تنها وتنها با قلبهایتان است که

میتوانید به پروردگارتان نزدیک گردید.اما در آخرت با روح و بدنتان مظهر این تقرّب خواهیدشد.

## وعظ هفتم

اخلاص

اول یادبگیر ،بعد عمل کن ودرهرحال با اخلاص باش ...هم از نفس خود وهم از خلق بگذر ، تنها به الله متّصل باش.

***" بگو الله وبگذار ایشان درمردابی که در حال فرورفتن درآن هستند مشغول بازی باشند " ( سوره شوری -هفتادوهفت)***

بله تازمانی که مردم را درضرروزیان میبینی ترکشان کن،تاتوهم گرفتارهمان سیلاب نگردی.زمانی که زنگاروناپاکی شرک از وجودت بارسیدن به درجه صحیح توحید پاک شد،به میان مردم رو با آنان قاطی شو با علمت به ایشان فایده برسان تاجایی که از دستت برمی آید ایشان رابه دروازه نجات الهی ارشاد نما.مرگ خواص با دوری نمودن ایشان ازمردم ورفتارنمودن با ایشان مثل مرده ها روی میدهد.به عبارت دیگر با ازدست دادن احتیاط در برابرایشان است. برای کسی که چنین مرگی برایش تحقق یافته با ربّ خود حیات ابدی خواهدیافت.اما مرگ ظاهری او چیزی نیست جز لحظه ای مکث، لحظه ای به برگرفتن هوای معنوی درلحظه ای ازمیان ناپدیدشده ،لحظه ای خواب وسپس بیداری ،حالا اگر تومرکب لذّت بخش میخواهی دستت را دراز کن بسوی ریشه معرفت وتقرّب که در نزد حقّ است تا که با دست منّت دست تورا بگیرد ودروازه حیات ابدی را برویت بگشاید. زنده شدن ابدی این چنین است.

بدون تردیدقلب هم غذائی دارد.بااشاره به این ،حضرت پیامبرص فرموده اند:

***" من در نزد ربّم استراحت نموده ،تحت مراقبت اوهستم و او مرا میخوراند و مینوشاند."***

یعنی سرّم را با معنایش روحم را با روحانیتش میخوراند ومرا با غذای خاص تغذیه میفرماید.وقتی چنین میشود نخست شخص پس از اینکه سرّش با معانی تغذیه میشود باقلب وقالبش به معراج نائل میشود.سپس قلب ازاین منع میگردد ودرزمانی که خودش درمیان خلق حاضراست تنهابا قلب و سرّ خودبالارفته ،رفعت مییابد.بدون تردیدافراد متعالی که علم وعمل واخلاص وتعلیم راجمع نموده اند وارثان حقیقی رسول الله ص گردیده اند.

## وعظ هشتم

## توکّل

کسی که الله را رهاکرده وبه شخصی مانند خودش اعتمادکرده و وابسته شده باشد ،ملعون است و باز هم ملعون است.

چه اسفباراست که اکثرمردم نتوانسته اند ازاین لعنت خودرانجات دهند.افراد بسیارکمی به الله اعتمادکرده وبه او وابسته شده اند .آن کس که به الله اعتمادکرده به او تکیه نماید در واقع اوبه محکمترین دستگیره ها دست یافته است.اما کسی که تکیه به شخصی مانند خودش نماید،ماندکسی است که میخواهد آب را بامشت خویش بردارد اما وقتی دست خود را باز میکند چیزی درآن نمی بیند .

ای وای برتو، آیا هیچ فکرنمی کنی مردم حداکثر دوسه روز احتیاجات تورا برآورده میسازند، درنهایت به تنگ آمده ودیگر چیزی به تو نمی دهند.

درآنصورت آنچه توبدان نیاز داری ، صحبت با حقّ است، و توقع اینکه حاجاتت از سوی او برآورده شوند.زیرا او الله ، هیچگاه به تنگ نمی آید،ازبرآورده نمودن حاجات تو در دنیا وآخرت خسته نمیشود وبه تنگ

نمی آید.برای شخصی که با درجه یقین به وحدت الهی ایمان داشته باشد ودر توحید بماند ،هیچکس نه پدر ،نه مادر ،نه خانواده ، ونه دوستی برایش نمی ماند. آرزوی مال وموقعیّت پاک میشود و جز با الله با هیچ چیز دیگری تصمیم نمیگیرد.

## ***وعظ نهم***

## نجات از تنبلی

مبادا در آداب بندگی دربرابر حق تنبلی کنی، زیرا اگر چنان کنی به عاقبتی بسیار ناگوار مبتلایت مینماید. حضرت پیامبرص با اشاره به این فرموده اند:

***" زمانیکه بنده دراعمال بندگی خود کوتاهی ورزد -تنبلی کند-الله عزّ وجل اورا مبتلا به غم و غصّه مینماید"***

بله حداقل اورا مبتلا به فرزندان وخانواده خودمیکند درحالیکه چنین ابتلائی ازقبل برای اوتعیین نشده بود. ازآن به بعد فرزندان وخانواده اش شروع میکنند به اذیّت نمودن او ، درآمدش کم میشود. وقتی هم که کم شد دیگر برکتی برایش باقی نمی ماند ،پسران ودخترانش در برابرش عصیان می کنند .همسرش شروع به نفرت از او مینماید.به هرطرف برود به زمین میخورد.اینهاست عقوبت کوتاهی نمودن در وظائف بندگی دربرابرحق ونتیجه رهاکردن الله واشتغال کامل به دنیا.

جناب الله میفرماید:

***" اگرشکرکنید ودرایمان خود ثابت بمانید ،الله چراشمارا به عذاب مبتلا نماید،الله پاداش شاکران رابه حق بجا می آورد ."***

***" اواز اعمالش مورد سئوال قرار نخواهدگرفت ،اما آنهامسئول خواهندبود"***

***( نساء-صدوچهل وهفت)***

خواهر وبرادر جوانم ،به تو عزمی متناسب با همّتت داده میشود.هر حقّی در برابرانجام وظیفه ای است .پس مبادا تنبلی کنی.چه برای دنیا وچه برای آخرت باغیرت باش ،همّتت را از دست نده.فراموش،نکن که تنبلی ،بی غیرتی، عدم همّت وگیجی منتج به محرومیت ابدی وپشیمانی بی نهایت میگردد.اعمال وکردارت را برنامه ریزی کن ،با برنامه حرکت کن ، متناسب با کار واعمالت سخاوت و مردانگی نشان بده .زیرا جناب الله به توهم در دنیا وآخرت سخاوت و بزرگی وبخشش نموده است.در روز قیامت انسان تلاش میکند آنچه از

خیروشرّ در دنیا انجام داده را بیاد آورد وندامت واقعی درآنجاست که آغازمیشود.اما درآن روز هیچ پشیمانی وافسوس خوردن نتیجه ای نخواهد داد. کلّ مساله اینست که به اینها قبل از مردن فکرکنی وتدبیر اتّخاذ کنی.زمانیکه هرکس برداشت از کشته خویش میکند ،چه فایده ای خواهدداشت بذر پاشی تو بر زمین.

آیا جناب پیامبرص نفرموده است :

***" دنیا مزرعه آخرت است"***

دراین دنیا کسی که خیر ونیکی کاشته در آخرت محصولاتی برداشت خواهدکردکه باعث غبطه خواهندبود.کسی که شرّ و تنبلی بکارد ،ندامت وپشیمانی می درود.بیداری تو در زمانی که مرگ بسراغت می آید نفعی برایت نخواهد داشت.

یا ربّ ما را ازخواب غفلت بیدار فرما. راه مارا از راه کسانی که تورا نمی شناسند جداکن. ما را ازکسانی قرار ده که با درستی واعتماد به تو وابسته شده اند.

## وعظ دهم

صبر

***"ای ایمان آورندگان صبرو ثبات نشان دهید، به همدیگر صبوری را تلقین کنید، درمرزها نگاهبانی کنید، وطن خودرا از دشمنان محافظت نمایید. برآنها غلبه نمایید. درسایه این عملتان میتوانید به رستگارشدن امید داشته باشید."***

درمورد صبر آیات زیادی وجود دارد.همه آنها هم نیکی موجود درصبر را مقدمه ای برای نعمت برتر، پاداش نیک، بخشش الهی ،آرامش در دنیا وآخرت وراحتی معرفی مینمایند. پس صبورباش.شما خیری که با عجله آمد-دنیا-را دیدید. برای تامین آخرت تلاش کنید.از زیارت قبور، رفتن به مجالس افراد

صالح واز اعمال صالح فروگذاری نکنید. اگر چنین کنی کارهایت اصلاح خواهدشد.

ای خواهروبرادر جوانم ،بدان که چگونه باید صبرکنی ،زیراهمه آنچه که دنیوی است آفت ومصیبت است.به غیراز این اگروجود داشته باشد آن از نوادر

است.هیچ نعمتی نیست که درکنارش حکمتی نباشد.هیچ گشایشی نیست که به همراه تنگی وسختی نباشدوهیچ فراخی نیست که درکنارش ضیقی نباشد.

ای راهروی حق ، دربرابرضربات دشمن صبرکن ،بزودی  ضربه نهایی را براو وارد کرده وکارش راتمام خواهی کردوهرآنچه داردرا صاحب خواهی شد،زیرا صبرکلید و وسیله نصرت یافتن ، رسیدن به مقام رفیع و زندگی با شرافت است.اگرمیخواهی شخصی متّقی ،متوکّل وقابل اعتماد باشی صبورباش، زیرا بنیان تمامی خیرها ونیکی ها صبر است.زیرا اگر نیّت تو درست باشد

برای الله وارد این راه شده باشی ،عشق تقرّب به اوتمامی هستی ات را دربرمیگیرد ،قلبت بااین عشق لبریز شده و سرریز خواهدشد.

صبر،همراهی کردن با خدا در قضاوقدراست.زیرا قضا وقدر ازقبل با علم او به ثبت رسیده است وهیچکدام از خلق قادر به پاک کردن آن نیست.بله این حقیقتی است که در نزدمومن کامل به اثبات رسیده ،اوهم به این وسیله به تقدیر الهی با اختیارخود صبرنموده است ونه بصورت اجباری واضطراری ،زیرا اولین مرحله صبر اضطراری و دومین مرحله اش،اختیاری است.دراین صورت اگرصبر نداشته باشی چگونه میتوانی ادعا کنی که صاحب ایمان هستی .اگر رضا به تقدیر نداری وآن رضا را نشان نمیدهی چگونه میتوانی بگوئی که به معرفت رسیده ای ؟بله  اینها چیزهایی است که به صرف ادعا کردن بدست نمی آیند.تادرگاه را ندیده ودرکنار آن به توسّل نایستاده وزیرقدوم تقدیر و در مراحل سود وزیان به خود نیامده وصبرنکنی لزومی به ادعا کردن نیست.

ازهمان جایی که قرار داری با تمامی وسعت قلبت این سنگینی راحس کن ونه تنها با قلبت بلکه با جسمت گوئی جسدی بدون روح هستی . بمان ودور مشو.دروازه های بزرگ خوشنودی قلبت را بر روی تقدیر باز کن ، -این چنان

حالی است که نیاز به دور بودن از خلق دارد، از تمامی جهات. قلب، سرّ ،باطن وصفا.

## وعظ یازدهم

## آداب ورود به میان خلق

ای سالک حقیقت، در نابینائی ،جهالت ،غفلت وخواب آلودگی به میان خلق نرو.درحالی که بابصیرت علم وبیداری هستی با ایشان دمخور شو..اگردرمیان مردم به صفتی یا خلقی برخوردی که پسندیدی به آن تبعیت کن ،اگر چیزی را

دیدی که تو را متاثّر میسازد،ازآن دوری کن وتلاش کن مردم را ازآن صفت و خلق مبرّا ودورکنی.براساس حدیثی نقل شده ازحضرت پیامبرص ایشان میفرمایند:

***" مدارا نمودن با مردم صدقه است."***

ازاحسانی که ربّ به تو فرموده به مردم بده ،با لطف وکرمی که ربّ باتو نموده ،توهم با مردم نیکی کن ،با ایشان با گشاده روئی وبا خنده روئی روبروشو.اگرچنین کنی مطابق با فرمایشات خدای جلیل وعزیزبوده وبا اخلاق او رفتار نموده ای. رفتارنمودن با مردم با اخلاق، تحت حدود شرعی ،با ایشان موافقت نمودن ، روش بسیار زیبایی برای گذراندن است. اما اگر رفتار با ایشان از حدود شرعی فراتر رفته واز رضای الهی خارج گردد،دیگر هیچ کرامتی نیز در این رفتار نمی ماند.

ای جماعت، قدروقیمت خود را بدانید، خودتان را به چاهی که خدا شمارا درآن نینداخته نیندازید.با اشاره به این است که گفته شده است:

**" به آنکه قیمت خویش را نمی داند، تقدیر آنچه را که لازم است یادخواهدداد."**

دراینصورت درجایی بنشین که بلندت نکنند .وقتی وارد خانه ای میشوی در جایی منشین که صاحبخانه آنجا را ازآن تو نداند.زیرا درآنصورت بدون امر واجازه او نشسته ای وبدون اینکه بخواهی ازآنجا بلندت میکنند. اگر لجاجت

کنی با زور از آنجا بلندت کرده بیرون خواهند انداخت.آنچه برای تو لازم است بریدن ارتباطاتت با شرّ وبدی وبدور انداختن آنهاست.زیرا کلمات هم برادرانی دارند ،یکی به شما کلامی میگوید ،شما هم به آن جواب میدهید، برادران آن کلمات هم می آیندومیان شما شرّ وبدی را نشان میدهند.

ای بیچاره ،حرفهایی که برایت ضروری نیست را ترک کن.درخصوص،مذهب تعصّب را رهاکن . مشغول اموری شو که در دنیا وآخرت نفعی برایت داشته باشند.

(( توضیح مترجم:

درنسخه ترکی این کتاب درست پس از این سخنان حضرت گیلانی، به طرزی بسیار ناشیانه و غیرعاقلانه ،درست برخلاف امر مستقیم ایشان که علنا امر به نشان ندادن تعصب بر مذاهب مینمایند ، یک پاراگراف در جهت تبلیغ مذهب حنفی توسط ترکها اضافه شده است.البته لازم به یادآوری نیست که صرف انجام چنین کاری نه تنها بی احترامی به جناب گیلانی بلکه نشان صریحی از عنادبرخی ترکان عثمانی با ایشان میباشد. با یقین به اینکه جملات مبنی بر تبلیغ یک مذهب خاص متعلق به ایشان نیست از متن حذف گردید.))

ای راهرو حقیقت تلاش کن که کسی را اذیت نکنی ،نیت خوب در مورد همه افراد داشته باش .فقط درمورد کسانیکه شریعت اجازه به اذیتشان داده میتوانی آزادانه رفتارکنی.یعنی درصورت وجود آن شریعت وبالی دراین مورد برتو نیست.برعکس حتی آن عبادت شمرده میشود.اگر میخواهی به حضورقلب

وآرامش قلب  و وسعت دل برسی ،گفتگوهای خلق را نشنیده بگیر، به غیبت های ایشان التفاتی نشان مده ، آیا نمیدانی که اکثرخلق درست نمی اندیشند،حقیقت را آنچنان که هست نمی بینندوآنچنان که بایدایمان نمی آورند،بالعکس ایشان حق را تکذیب کرده وبعصی اوقات حتی تصدیق هم نمیکنند. تودیگر تنها تابع جمعی باش که به غیراز حق وحقیقت نمی اندیشند.زیرا اینها چیزهایی دیگر را نمیشنوند ونمی بینند.پس برای رضای حق ودربرابر اذیت خلق صبرکن ،تحمل کن انواع بلاهائی راکه تورا با آنها امتحان میکنند. این راه چنان راهیست که در آن جناب حق سنّت خود را درحقّ کسانی که انتخاب کرده وپسندیده درآن به اجرا درمی آورد.ایشان را از هرکس جداکرده با بلاهای گوناگون آفات ومحنت ها امتحان مینماید چنانکه فضای دنیا وآخرت وآنچه از زیرعرش تا اعماق زمین برای ایشان تنگ میشود و از اینرو وجودشان فنا میگیرد.الله دوباره ایشان را به دنیاآورده ازایشان مخلوق کاملا جدیدی میسازد .جناب حق با اشاره به اینست که میفرماید:

***" درنهایت اورابه شکل دیگری انشاء نمودیم، ببین چه متعالی است شان الله که برترین خالق هاست."***

اگر درمیان فقیر یا غنی که بسوی تو می آیند فرقی قائل شوی وحس کنی ،راه نجات را گم خواهی کرد،بافقرائی که صبورند همراه شو،به ایشان نیکی کن ،بزرگوارانه رفتارکن، ازهمراهی با ایشان احساس خوشبختی کن.

***" فقرایی که صبوری کنند در روز قیامت در مجلس رحمن حاضر خواهندبود"***

بله امروز قلبهایشان وفردا بدنهایشان درآن مجلس خواهدبود.ای جماعت مسلمان اگر شما بدانید که همسایه تان گرسنه است وکاری نکنید آن مجلس را از دست خواهید داد.اگردرچنین حالتی ادّعای ایمان کنید کجاست لذّت ایمان .ایمان شخصی که اضافه براحتیاج خود وخانواده اش را به فقیری که بر در خانه اش ایستاده نمیدهدوحتی اورا دور میکند صحیح نیست.یعنی از جهت ایمان به کمال نرسیده است.بله بزودی توهم مثل همان بیچاره میتوانی بشوی واز درها رانده شوی.

ای وای برتو ،چرا از جایت بلندنشده وبا دل گشاده چیزی به آن سائل ندادی ،اگرچنین میکردی دوفضیلت راباهم بدست می آوردی، با پاشدن وبه پیش او رفتن تواضع وبا دادن چیزی به او بزرگواری وسخاوت راباهم بدست می آوردی.مگر نشنیدی حضرت پیامبرص با دست خود به محتاج ها عنایت میفرمودند،به شتر خود علف میدادند.شیر را ازگوسفند خودشان میدوشیدند.وخودشان وصله به لباسهایشان میزدندوایشان خیلی بیش از این تواضع داشتند.چطور میتوانی ادعا کنی که تابع ایشان وسنّت ایشان هستی در صورتیکه با رفتار وحرفهایتان با ایشان مخالفت میکنید. ضرب المثلی هست که میگوید

" یا یک یهودی خالص باش یا ادعای دوست داشتن تورات رانکن"

من هم با سخنی نزدیک به این بتو میگویم ،اساس واصول اسلام را به درستی انجام بده وگرنه نگو که من یک مسلمان کامل هستم. بله آنچه برای تولازم است رعایت وحرمت شرایط اسلام است .به خلق هم توصیه های خوب کن تااینکه درآینده ای نزدیک -روزقیامت-جناب حق هم با رحمت خود باتو رفتارنماید.به حقیقت اسلام بچسب که این تسلیمیّت دربرابر خدا خواهدبود،به آنان که بر روی زمین هستند مرحمت کن تا آنانکه درآسمان هستند بر تو مرحمت نمایند.

# وعظ دوازدهم

## ترک کردن دوست ناباب

ای راهرو حقیقت ، با افراد بد دوستی مکن، تلاش کن آنان را ترک کنی.دوستی ومحبّتی که با آنان داری را قطع کن.تلاش کن با افراد خوب مناسبت ودوستی برقرار کنی.دوستها ویارانی راکه با افراد بد دوستی میکنند راهم ترک کن.با افرادی که به نیکی وخوبی توجه می کنند -حتی اگر ازتو دورباشند-دوستی کن.زیرابا کسانی که دوست داری وبا ایشان ارتباط محبّتی داری نوعی نزدیکی باطنی خواهی یافت.پس دقت کن با چه کسی دوستی ومعاشرت میکنی. از عده ای ازدانایان پرسیده اند تقرّب چیست؟

جواب داده اند: عشق و دوستی است.

ای رهرو راه آخرت ، معاشرتت با افراد شرور واهل شرّ باعث ایجاد سوء ظن نسبت به خوبان درتو می گردد وباعث تغییر حسن نیّت تو نسبت به ایشان میگردد.افتادن تو درچنین وضعیتی درست شبیه به افتادنت در مرداب و باتلاق است.تلاش کن تا نیفتی.

به حال وهوای دلگشای کتاب خدا وسنّت پیامبرص داخل شو تا نجات ابدی یابی.

## وعظ سیزدهم

ای خواهرو برادر جوانم ،با درآمدحاصله از دسترنج وعرق پیشانی خود زندگی کن.با وسیله قرار دادن دینت آن را وسیله کسب معیشت خویش قرار مده.عرق پیشانیت را بریز ودرآمد کسب کن وبخور، به دیگران هم همین توصیه را بنما، زیرا این سالم ترین راه زندگی برای مومنان است واین تابعیت ایشان را ازصدّیقین به این وسیله روشن میسازد. مومنان وصدیقین همواره با عرق پیشانی وبا عزم وعیرت خود است که کسب درآمد می کنند وآن را درآرامش میخورند، دراصل این حرفها اگر معنایی برای فقرا ومساکین نداشته باشد چیزی افاده نمی کند.ایشان آرزو میکنند که مردم در راحتی باشند زیرا ایشان این حدیث جناب پیامبرص را می دانند که :

***تمامی انسانها خانواده خداوند هستند.محبوب ترین مردم نزد خداوند کسی است که برای ایشان مفیدترین باشد."***

ای خدمتگزار درگاه خانه حق ،حرام خوردن قلب را میکشد.درحالیکه خوردن مال حلال قلب را زنده می کند. طوری که یک لقمه آنجا را نورانی میکند ولقمه ای دیگر آنجا را تاریک میسازد.لقمه ای تورا مشغول به دنیا میسازد .لقمه ای دیگر هم هست که تو را ازدنیا وآخرت گرفته مشغول

خالق میکندورغبت تو به خالق را می افزاید. چیزحرام تورا اکثرا مشغول دنیاکرده وگناه وعصیان را برایت دوست داشتنی جلوه میدهد.مباح تورا مشغول آخرت میسازد ،عبادت وطاعت رابرایت دوست داشتنی جلوه میدهد.بطورخلاصه لقمه حلال قلب را به مولی نزدیک میسازد .شناخت اوهم باقلب امکان پذیراست. نسیم های معنوی حق درقلب است که شروع به وزیدن میکند ونه بر روی کاغذ .

بله ،معرفت تنهابا حکم خداوند وپس از عمل وتصدیق آن میتواند حاصل گردد،وتصدیق تنها زمانی تحقق می یابد که خداوند رابه توحید بشناسی ،به او اعتمادکنی واز ارتباطات غیرضروری بامردم دوری کنی.

توتازمانی که به دقت محاسبه نکنی که چه میخوری وچه مینوشی وچه نکاحی انجام میدهی وهمه اینها ازکدام راه وازکجا بدست آورده میشود ،چگونه میتوانی نسبت به حق شناخت پیداکنی یعنی چگونه میتوانی نسبت به او به حقیقت شناخت دست یابی.آیا سخنان مبارک حضرت پیامبرص رانشنیده ای که اگر به راه بدست آوردن خوردنی ها ونوشیدنی هایت دقت

نکرده واهمیت داده نشود ،جناب الله هم اهمیت نخواهددادکه شخص از کدام دروازه به جهنم وارد شود.

## وعظ چهاردهم

## ترغیب وتشویق به اعمال نیک

ای راهرو حقیقت، توبرای تا ابد در این دنیا ماندن ولذّت بردن وصفا کردن آفریده نشده ای.تودراین دنیا در دوره ای ازامتحان الهی بسرمیبری.توبه گفتن : لااله الاالله محمّد رسول الله اکتفا کرده وطاعت وعبادت نسبت به حق را بجا نمی آوری.درصورتیکه به زبان آوردن این جمله به تنهایی بدون اینکه چیزهایی راکه این جمله بدانها دلالت مینماید را بجا آوری، سودی به حال تو نخواهدداشت.زیراایمان عبارت ازگفتن وعمل است.اگردرگناه غوطه ورشوی ودراثر برخی گمراهی ها به مخالفت باحق بپردازی راهت را گم خواهی کرد واگر دراین حال اصرار ورزی ترک نماز وروزه وصدقه وشبیه اینها برایت زیبا جلوه گر خواهدشد.ودرنتیجه ایمانی که خشک وخالی مانده باشد سودی برایت نخواهد داشت ومورد قبول واقع نخواهد شد.وقتی میگویی لااله الاالله یعنی شهادت میدهی .اگرازتوبپرسند دلیلت چیست چه جوابی خواهی داد ؟ زیرا دلیل وبرهان این شهادت عبارت است از انجام فرمان الهی دوری نمودن ازکارهایی که خداوند منع فرموده، صبر دربرابر آفات ومصیبت ها وتسلیم بودن در برابر خداوند.اینهادلائل ونشانه های اشکار ایمان وشهادت هستند .بله حرف بدون عمل و عمل بدون اخلاص وبدون موافقت با سنّت رسول الله ص مورد قبول واقع نمی گردد.آگاهی به تو خطاب می کند:

" اگربامن عمل نکنی برعلیه تو دلیل محکمی خواهدشد واگرعمل کنی به نفع تو حجّت خواهم شد"

حصرت پیامبرص می فرمایند:

***" علم وعمل باهم فراخوانده خواهندشدواگر باهم جواب دهند که چه عالی خواهدبود وگرنه دور خواهد شد وخواهدرفت."***

یعنی فیض وبرکت آن علم خواهدرفت وتنها ازآن عزا وجفا ،محنت ومشقّتش باقی خواهدماند.درنزدخداوند هم نمی تواند شفاعتی برای تو انجام دهد.درزمانیکه نیازداری هم به سوی تو نخواهدآمد.وبه این صورت درس خوانده ای جاهل خوانده ای جاهل خواهی بود وخواهی ماند.بله آن علم بی عمل کوچ کرده وخواهدرفت واز آن تنها پوست وغلاف باقی خواهدماند.زیرا خلاصه علم عمل است.

ای کسی که عمری را باخواندن کتابهای علمی گذرانده ای ،خواندن وازبرکردن بدون عمل چه فایده ای دارد؟ مقصود ازعلم تنها دانستن وازبرکردن نیست، عمل کردن با دانسته ها است.روشن نمودن اطرافت است وتبدیل شدن به نهری پرفیض که میان تولد ومرگ جاری است.

ازحضرت پیامبرص وتمامی پیامبران در روز قیامت چنین پرسیده خواهدشد:

***" شما به مثابه چوپانان مردم بودید،برای آنان که وظیفه محافطت از ایشان را داشتید چه کردید؟شما نگاهبان خزانه وسیع من بودید،آیا ازآن***

***خزانه به فقرا ومساکین وافتادگان چیزی رساندید، آیا حقوقی که برشما واجب نمودم را ازمال خود جدا کرده وپرداخت نمودید."***

بله آنچه شرط،برای مومن است اول بجا آوردن عبادات واجب وپس از بجا آوردن کامل وصحیح آنها ،انجام سنّت ها ونوافل وفضیلت هاست.تا عبادات واجب را به صورت کامل بجا نیاورده باشی مشغول شدن به عبادات نافله عین حماقت ونادانی است.زیرا عمل به نوافل قبل از واجبات مورد قبول واقع نمی گردد.این شبیه فرمان حاکمی است که مردم را به اطاعت از یکی ازخدمتکاران خود فراخوانده باشد.

حصرت علی ع از قول پیامبرص می فرماید :

***" کسی که نمازهای مستحبی را قبل از نمازهای واجب بجا می آورد شبیه زن حامله ای است که قبل از زمان زایمان فرزندش را سقط می کندو دیگر نه حامله است و نه صاحب فرزند ."***

وکسی که نماز میخواند نیز این جنین است.تا زمانیکه نمازهای واجب را بجا نیاورده، خداوند نمازهای مستحبی را ازاو قبول نمی فرماید.مثال دوم برای این ، تاجری است که قبل از جداکردن سرمایه اصلیش وقبل از جداکردن سود اصلیش وبدون اینکه بداند چقدر سودکرده و چقدر ازدست داده شروع به خرج کردن بی حساب کند.درحالیکه آنچه برای او لازم است اول محافطت از،سرمایه اولیه وپس از آن خرج کردن به نسبت سودی که برده میباشد.وقتی گفته میشود واجبات، تنها نباید نماز و روزه به ذهن بیاید،ترک کردن مردم

،دوری نمودن از شرک ورزیدن به خداوند یکتا واعتراص نکردن به قضا وقدر او هم از عبادات است.

حضرت پیامبرص می فرمایند:

***" چیزی که مخلوق رابه عصیان دربرابر الله وادارد ،جائز به تقلید نیست."***

ای راهرو راه سعادت با هیچ عملت مغرور نشو وفریب مخور،زیرا اعمال با خاتمه شان سنجیده میشوند.وعاقبت نیک را ازجناب حق بخواه و مرتبا نیازکن که زمانی روحت را بگیرد که درحال انجام زیباترین اعمال باشی.

زنهار زنهار ،پس ازاینکه توبه کردی دیگر توبه ات رانشکن، وبه انجام گناهان بازمگرد.درتوبه ات ثابت قدم باش .اگرکسی به توگفت : تابع نفست وآرزوهایت مشو. به او گوش بده .با انجام گناهان با ربّت مخالفت نکن، تلاش کن بنده ای اطاعتکار باشی.امروزت وفردایت باید چنین باشد.درغیراینصورت درواپسین روزها یعنی درآخرین نفس های زندگیت اگر دربرابر الله عصیان کنی او تورا رسوا خواهدکرد بدون اینکه خبردارشوی وبعد از آن هم یادآوری برایت پیدا نخواهدشد.

یارب ،به ما یاری فرما که طاعت وعبادتمان نسبت به تو را بدرستی انجام دهیم.باناپاکی های عصیان وگناه ما را رسوا مکن...هم در دنیا و هم در آخرت به ما نیکی نصیب فرما و ما را ازعذاب جهنم حفظ فرما.

## ***وعظ پانزدهم***

ای کسی که به تقدیرالهی گردن نهاده ای نگوکه ' نیازی به دعا کردن دربرابر الله ندارم چونکه اگر آنچه میخواهم اگر در ازل تقسیم شده و جدا شده باشد چه بخواهم وچه نخواهم درهرصورت به من خواهدرسید.واگر برایم تقسیم نشده وجدا نشده باشد، با خواستنم به من نخواهد رسید.'

برعکس به شرط اینکه درمیان دعاهایت و آرزوهایت حرام وشر نباشد ،خیر دنیا وآخرت رابخواه.زیرا جناب الله امر فرموده که دعا کنیم وبخواهیم واین را تشویق فرموده :

***" به من دعا کنید تا شما را اجابت کنم.زیرا آنانکه با کبر و وادعای برتری دعا نکرده باشند ،خوار وحقیر به جهنم وارد خواهند شد." ( مومن-شصت)***

***" تمنای اسباب ووسائلی رانکنیدکه خداوند به وسیله آنها برخی از شما را بر برخی دیگر برتری داده.همانگونه که مردان سهمی ازدسترنج ودرآمدشان دارند،زنان نیز سهمی ازدرآمدشان دارند.ازخداوند لطف وعنایتش را بخواهید.بدون تردید خداوند هرچیزی رابه کاملترین شکل میداند."***

***( نساء-سی ودوم)***

حضرت پیامبرص میفرمایند:

***" با ایمان به اینکه دعایتان مستجاب خواهدشد دعاکنید.ازخداوند با کف دستانتان بخواهید."***

به غیر ازاینهابسیار احادیث شریف دیگرنیزواردگردیده است.

نگوکه: 'من میخواهم اما او نمی دهد.برای همین نخواهم خواست.'

به دعاکردن ادامه بده اگرقسمتی برای تو درنطرگرفته شده باشد ،این دعا آن رابسوی شما می کشاند.واین هم ایمان ،یقین و اعتقادتو به توحید را می افزاید.درخواست نمودن ازمردم را رهاکن..درتمامی احوالت رو به سوی حق کن ،زیرا تنها اوست که میتواند احتیاجاتت را برآورده کند.اگرآنچه میخواهی درنصیب وقسمت تو نبوده باشد خداوند بجای آن به تو ثروت قلبی وخشنودی عنایت می فرماید.حتی اگر فقیرو مریض هم باشی نسبت به اینها درقلبت درهای رضا را باز می فرماید.اگرمقروض باشی بدرفتاری طلبکارت نسبت به تورا مانع میشود.او را واردار می کندکه دراین مورد نسبت به تو

ملایم بوده وسهولت نشان دهد.وتا زمانیکه وضعیت تو اصلاح شود این وضع را برای او ادامه خواهد داد.حتی اگر دراین دنیا اینهارا بجا نیاورد، دربرابر خواسته هایت ثوابهای بزرگی برای آخرتت درنظرمیگیرد.زیرا او یگانه صاحب کرم است وغنی ورحیم است. دعاهای صمیمی وخواسته هایت را بی جواب نمی گذارد.یا بلافاصله خواهد داد یا به تاخیر انداخته ودرآن دنیا خواهدداد.درحدیث شریفی می فرمایند که:

***" مومن در روز قیامت درنامه اعمال خود یک سری اعمال بسیارخوب را میبیند که انجام نداده ،به اوگفته میشود آیا اینها رامی شناسی ؟ نه. نمی دانم ازگجا آمده اند. -اینها درمقابل آرزوهایی است که دردنیا داشتی ودعاکردی -"***

بله بنده مومن بادرخواست ازخداوند قبل ازهرچیز اورا بیاد آورده وجود ویگانگی او را بزبان می آوردوبه این ترتیب هرچیزی به جای خود نشسته ،حق را به جای خود برگردانده ازقوت وتوان خود تبرّی جسته کبر وادعای بزرگی وصفات مذمومی شبیه اینها را ترک می نماید.همه اینها اعمال زیبا ونیکویی است که ثوابش درنزد خداوند محفوظ است.

ای رهرو حقیقت، شبکه دعا را بباف وبه درگاه رضا روکن.ازحرفهای غیرضروری اجتناب کن، خداوند عزیزوجلیل را هیچگاه ازقلب وزبانت خارج مکن.

## ***وعظ شانزدهم***

## ایمان واسلام

ای خواهروبردار جوانم، اگرایمان نداشته باشی یقین هم نداری .اگر یقین نداشته باشی دراین خصوص معرفت وآگاهی هم نمی توانی داشته باشی. اینها درجاتی است که وقتی مسلمانیت حقیقی ودرست باشد به تسلیمیت حقیقی نیزمیرسی.تودرهمه حال وکارت مسلمانی تسلیم شده به الله باش.فقط

هنگامی که این تسلیمیت را نشان میدهی، حفاظت ازمرزهای شریعت وچنگ زدن به آن به بهترین وجه، از الزامات است.بله تو درمورد امور خودت ودیگران تنهابه خدا تسلیم شو.شریعت اورا تاج سرخودگردان.دربرابراو ومخلوقات اوهم تربیت وادب خودرا روزبروز زیباترنما.باصفات الله به وجود ویگانگی اوشهادت بده در برابر ظرافت های هنر خلقت الهی بایست وعمیقا تفکرکن، تنها ازاین راه است که میتوانی به صانع حقیقی واصل شوی.مومنی که صاحب معرفت ویقین باشد،دوچشم ظاهری ودوچشم باطنی ودر مجموع چهارچشم دارد.با چشمان ظاهریش مخلوقات بر روی زمین را می بیندوبا چشم های باطنی اش خلقت خداوند درآسمانها را مشاهده میکند وسپس حجاب ها را ازقلبش برداشته واورا بی تشبیه و بی کیفیت مشاهده می نماید.مظهرتجلی صفات جلال وجمال می گردد.اما حجابها تنها ازقلبی برخواهدخاست که ازنفس طبیعت وآرزوهای نفسانی از شیطان و وسوسه های آن رها شده ودرهمان زمان کلید گنج های زمین را ازدستش انداخته تا حدی که طلا وسنگ برایش هیچ فرقی نکند. عقلت را بخوبی بکار ببر که گفتگو هایم را درک کنی، زیرا که من بلبل سخنم ،سخن می گویم.به اندازه گل سرخ ظریف وبه همان اندازه لطیف باش .جابازکن برای بلبلانی که می نشینند، باگوش جان گوش کن ، نعمه های تسخیر کننده قلب را.

## وعظ هفدهم

# ظلم

ای رهرو حق، نه به خود ونه به دیگری ظلم نکن.زیرا ظلم باعث انواع تاریکیها در دنیا وآخرت می گردد.تلاش کن وارد آن تاریکیها نشوی که جزء بدبختان خواهی شد.ظلم قلب را سیاه میکند ،صورت ودفتر اعمال را کثیف می کند. در روز قیامت با رویی سیاه ودفتراعمالی کثیف شده وسنگین شده از زنگار ظلم در حضور خداوند حاضرشدن وضعیتی بسیار رقّت بار است.

نه ظلم کن ونه به ظالم یاری کن.حضرت پیامبرص فرمودند:

***" روز قیامت نادی چنین ندا می کند: ظالم ها کجاهستند همه شان راجمع کنید .یاوران آنان کجاهستند، آنان که قلمهای ایشان راتراشیده اند کجاهستند، آنان که برای ایشان مرکب حاضر کرده اند کجا هستند ، همه شان را جمع کنید و در تابوتی از آتش قرار دهید."***

ازمردم بگریز ،تلاش کن نه ظالم باشی و نه مظلوم.حتی تلاش کن زمانیکه قدرت برای ظلم کردن داری نیز از ظالم بودن گریزان باشی. مظلوم باش ،مقهورباش ، اما هیچ ظلم نکن، قهاری نکن ، زیرا نصرت حق ازآن مظلومان است وچه رسد به اینکه مظلومی باشد که یاوری نداشته باشد.

حضرت پیامبرص چنین فرمودند:

***" وقتی به کسی که جز جناب حق کسی را نداشته باشد ظلمی گردد جناب الله به او می فرمایند،حتی اگر مدتی نیز طول بکشد تحقیقا به تو یاری خواهم کرد."***

یا رب ما را جزو بندگان اهل شفقت ومرحمت قرار ده.ازبندگانی قرارمده که ظالم هستند ، قلب می شکنند ،قلب ویران می کنند و طبیعت خشن دارند.

تویی که قلب ها را لطیف وملایم می نمایی وطبیعت ها را زیبا می کنی.

## وعظ هجدهم

### دوری از دنیا

این دنیا یک بازار است.مدتی بعد وقتی تاریکی شب همه جا را سیاه کرد ،درآن بازار هیچکس نمی ماند.پس به آنچه دراین بازار می خرید واینکه آیا آن درآخرت برای شما قیمتی خواهدداشت ویا نفعی به شما خواهدرسید دقت کنید.زیرا که آن محاسبه گرمتعالی همه چیز را کاملا می بیند.هیچ چیز برای اوپنهان و سربسته نیست.در روز قیامت آنچه که در بازار دنیا خریده ای به اندازه ارزشش برای تو نافع خواهدبود.اگر ارزشی نداشته باشدبلائی برای تو خواهدماند.در این بازاربه زبان آوردن یگانگی حضرت حق ودراعمال بااخلاص

بودن برای تو مانند نقطه ای برای آن بازار خواهدبوداما این هم برای شما بسیار اندک محسوب میشود.

ای خواهر وبرادر جوانم ، تودراین دنیا غریبی .شخص زاهد هم در آخرت غریب است.درحالیکه شخص عارف با غیر الله غریب است.بله مومن در این دنیا گویی در زندان است حتی اگر رزقش وسیع وصاحب خانه و زندگی بوده صاحب مقام وموقعیت نیزباشد ،در زندانی است که دیده نمیشود.خوشحالی وسرحالی او در صورتش، وغصّه اش در قلبش است.از اینرو که دنیا را بخوبی شناخته آن را قلبا طلاق داده. بله او چون از روزی که درآن روز چشمها برمی گردند ،میترسد ، دروهله اول دنیا را یک طلاقه کرده .درحالیکه اودراین وضعیت است ناگهان آخرت دروازه خودرا بروی او بازکرده مانند برقی آسمانی درخشش نموده صورت اورا زیبا نموده ودرسایه این دنیا را با دومین طلاق مطلقه نموده ، درخشش برق آسمانی دیگری آمده وبه گردن او می آویزد و دیگر او دراین روحانیت دنیا را با طلاق سوم مطلقه نموده وبا تمام وجود خویش به نگاهبانی دروازه آخرت مشغول میشود. ودرست درحال این خلوت بوده که نور حق درخشیدن گرفته ودراین حال اودیگر آخرت رانیزطلاق داده .دنیا به اوگفته چرامرا طلاق دادی ،اوجواب داده : زیرا ازتو زیباتر وبهتر را دیدم.بعداخرت از او میپرسد ،پس چرا مراطلاق دادی ،اوهم جواب داده : دیدم که توهم خلق شده ای وبوجود آمده ای .آیا توتصویرشده توسط خالق نیستی؟ حال که اینطوراست چراتورا طلاق ندهم؟ درست در همان حال است که

معرفت مومن نسبت به ربّش تحقق و واقعیت میپذیرد.ازغیرربّش نجات یافته وبه آزادی می پیوندد.دیگراوهم در دنیا وهم در آخرت غریب است.غائبی از کلّ است که درکلّ محوشده ...دنیا درخدمت او خواهدبود ونه او درخدمت دنیا.دنیا نمیتواند زینت خودرا همچنان که به مفتون های خود جلوه میدهد به اونیز جلوه گرنماید.اگر نمایدهم ارزشی نخواهد داشت،اعمال اونسبت به حق درنظامی کاملا مبتنی برادب قرار گرفته است.به کارهای غیرضروری حتی توجه هم نمی کند.

ای راهرو حقیقت، در دریای دنیا ،درحالت آماده باش ،زیرا درآن دریا بسیارکسان غرق شده اند.بسیار کم افرادی بوده اند که نجات یافته اند. بله آن دریایی بسیارعمیق است تقریبا هرکسب رامیتواند خفه کند.فقط الله تعالی است که آن دسته ازبندگانش راکه اراده نماید نجات میدهد.همانگونه که بندگان مومن خودرا درآخرت نیز ازآتش جهنم نجات خواهد داد.زیراهمه بلا استثناء از روی جهنم عبور خواهندکرد.الله تعالی درآنجا هرکس را که اراده فرمایدنجات می بخشد .با اشاره به این است که درقرآن کریم میفرماید:

***" ازشما هیچکس نیست که سر به جهنم نزند .این حکمی قطعی است که ربّت برخود واجب نموده است." ( مریم-هفتادویک)***

جناب حق درآن روز به جهنم امر می فرماید :

***" دروضعیتی باش که نه به اندازه کامل سردی دهی ونه اندازه ای که بسوزانی .دروضعیتی سلامت بخش باش،که آنانکه به درستی به من ایمان***

***آوردند ،برای من با اخلاص بودند،به من رغبت نموده اند وبراساس زهدوتقوی زندگی نموده اندوازغیرمن قلبهای خودرا برگردانده اندبتوانند بگذرند"***

همچنین الله عزّ وجل میفرمایندکه :

***" ای دریای دنیا ،ای آب دنیا ، ابن بنده ام همانکه بدنبال محبوب محبوب ها می گشت را غرق مکن."***

درسایه این امراست که بنده ازغرق شدن نجات می یابدوبا اطاعت از این سرو حکمت الهی صبرمی نماید.همچنانکه حضرت موسی ع وقومش ازدریا نجات یافتند،صبروتحمل ایشان این نتیجه را برایشان محقق نموده بود.خداوند ازفضل وکرم خویش نسبت به هرکس که اراده کند لطف می فرمایدوبه آنکه اراده کند نیز روزی بی حساب می بخشد.تمامی خیرها ونیکی ها با قدرت متعالی اوست که تحقق می یابند.بخشش بی توقع تلافی ثروت شرف عزّت وذلت همه در دست اوست.هیچکس تاثیری براو نتواند داشت. اوبه هیچکس محتاج نیست .فردعاقل تنها به درگاه متعالی اوست که روی می نماید،رسم بندگی بجا آورده واز در خانه غیراو روبرمی گرداند.

ای بیچاره ای که پشت به معنویات کرده ای میبینم که هوس خوشنود نمودن خلق وآزار حق را داری.می بینم که اعمالت دراین مسیر است. درراه تبدیل دنیا به جایگاه ابدی، آخرتت راخراب میکنی.درآینده ای بسیار نزدیک ازکسانی خواهی بود که گرفتار خواهی شد.پادشاه قدرتها روزی تورا نیز گیر خواهد

انداخت.بله قدرتی که اهل دنیاهای رنگارنگ وذوق وصفا کنندگان را گرفتار می کند روزی تورا هم گیرخواهد انداخت ازمرتبه ای که داری عزلت خواهد کرد، باوسائلی ازقبیل فقر و ذلت ومریضی تورا سرنگون خواهدکرد.با مسلط کردن شدائد وغم وغصّه ها در زمانیکه اصلا تصورنمی کنی تو را گریبانگیر خواهدکرد. دست وزبانهای خلق را برعلیه توشورانده پریشانت خواهدکرد وتمامی مخلوقاتش رابرعلیه تو شورانده پریشانت خواهدکرد.  درآن زمان چه خواهی کرد به چه کسی پناه خواهی برد؟ ازچه کسی توقع  یاری خواهی داشت ؟ چشمت را بازکن. حال که وضع چنین است اگر خوابی بیدارشو ،پرده های غفلت را پاره کن ، دربارگاه متعالی حق بایست زار زار ،گریه کن  تا حدّی که اشک چشمت رودی گردد،برای قایق قلبت.

یارب ما را ازبندگان بیدارت قرار ده. ازبیچارگانی قرار مده که عمرشان را درغفلت به باد می دهند . به ما قلب بینا لطف فرما که قدرت و عظمتت را درک نماییم.

## وعظ نوزدهم

ای کسی که میخواهی به مرتبه بندگی حق برسی، بندگیت نسبت به جناب حق درکدام مرتبه است؟ حقیقت بندگی رابفهم وآن را به اجرا درآور.درتمامی کارهایت معتدل وبه همان نسبت کافی باش.توبرده ای هستی که ازصاحبش گریخته، به او بازگرد ، گردن بنه ، به اوامرش با تواضع اطاعت کن، ازآنچه که او منع کرده فاصله بگیر.به قضای او صبرکن.بااوبر طریق موافقت باش ، پس از تکمیل تمامی این خصوصیات به نفع تو ، بندگیت نسبت به اربابت تکمیل

خواهد شد.دیگر از اوبرای سر کفایت آمده است ، خداوند عزیزوجلیل با اشاره به همین می فرمایند که :

***" الیس الله بکاف عبده"***

***" آیا الله برای بنده اش کافی نیست " ( زمر-سی وشش)***

وقتی بندگی تونسبت به او صحیح شد او تو را دوست خواهد داشت.قدرت عشقش را درقلب تو جای خواهد داد.دیگر پس ازآن تو با آن عشق انس پیداخواهی کرد.اودرسایه همین عشق ،تورا بدون مشقّت ...به خود نزدیک میسازد.اینطورکه شد تودیگر صحبت دیگری رانخواهی پسندید وازآن دوری خواهی کرد.دراین حال شادمان از اووخشنود خواهی شد.اگرزمین رابرتو تنگ کرده وتمامی درب ها راهم بروی تو ببنداز اوعصبانی وناراحت نمیشوی ودرهمان حال به درخانه دیگری هم نردیک نشده وطعام غیراو را نخواهی خورد.دراین حال به حضرت موسی ع می رسی که جناب الله درمورد او فرمودند:

***" ما قبل از آن خوردن شیرهای دایه ها را براو حرام نموده بودیم "***

بله ربّ عزیزوجلیلمان شاهد برهمه چیزاست وعلم اوهمه چیز را فراگرفته است.همه چیز تحت مراقبت اوست.ازما خیلی به ما نزدیکتراست. هیچکدام ازما نمی توانیم ازاوبی نیاز باشیم.عالم وجود مداوما و متصلا به اومحتاج است.

ای راهرو آخرت ، وقتی قضا وقدر الهی رسید در برابر خداوند مانند سنگی بی زبان باش که مظهر بسیاری از الطاف او شوی.آیا نشنیدید که شاگرد جالینوس برای یادگیری علم وحکمت از وی چگونه در حضوراو بی زبان بود ؟ شاگرد بااین رفتارش وبا سکوت وارث تمامی علوم استادش شد.

هذیان گویی ها وکشمکش ها وگستاخی هایت دربرابر تقدیرالهی واعتراضات بیجایت توراچنان زمخت کرده که حکمت ربّت وارد قلبت نمیشود وبسوی قلبت نمی آید.

ای خواهروبرادر قلبیم، وقتی خواستی صحبت کنی با نیّت خیرصحبت کن. وقتی سکوت می کنی با نیّت خوب سکوت کن، عمل کسی که قبل از انجام کار نیّت خود را اصلاح ننماید وعمل کسی که نیّت خوبی نداشته باشد ،عمل واقعی نخواهدبود. ازاین روست که قبل ازعمل ،نیّت خوب لازم است.بدانکه اگر بدون نیّت خوب حرف بزنی یاسکوت کنی،گناهکاری.دراینصورت هم نیّت تو ،سکوت تو، وحرف زدنت ،بیرون از سنّت پیامبرص خواهدبود.بله مگر آنچنان نیست؟ شما همینکه وضغیتتان تغییرکند،رزقتان کم گردد بلافاصله عوض میشوید.چرا برای یک لقمه این همه دورویی؟ باکوچکترین شکست درحیثیّت دنیویتان بلافاصله همه نعمتهارا انکار می کنید.تاحدّی که در این مورد شبیه افرادظالم میشوید.

انجام بده . انجام نده.برای چه انجام دادی؟ با گفتن این حرف ها مظلوم را به سخره میگیریدومی خندید.آیا این رواست که برای بنده ای که ایمان به خالق دارد چنین رفتارگردد؟

بله چنین رفتارهایی ازشما میتواند باعث دوری شما ازحق ،رانده شدن ازحضورحق برای شما گردد ومیتواند غضب الهی رابه سوی شما بکشاند.

ای فرزند آدم، توکه هستی؟ ازآبی حقیر آفریده شده ای به آغاز آفرینشت ومادّه اصلی که ازآن آفریده شده ای نگاه کن.دربرابر ربّت متواضع باش. درحضورش خم شو.

اگر درقلب و در عالم درونت درخت تقوی رشد نکرده باشد ،نه در نزدخداوند ونه در نزد خلق ارزشی نداری.فراموش نکن که دنیا حکمت آخرت است وتمامیتش حکمت محض است.

همه سلامت واهتزاز در طاعتی است که دربرابر الله عزیزوجلیل انجام میشود،این هم با امتثال وانجام اوامر عمومی ودوری کردن ازهرآنچه منع شده ودرعین حال باصبرکردن در برابرقضا وقدرتحقق می پذیرد.آنکه ندای خداوند را اجابت نماید ،خداوند هم اورا بارحمت خویش جواب میدهدوکاری می کند که خلق از اواطاعت کنند. لباس آدم ریاکار تمیز استاما قلبش درکاستی است.باوسیله کردن دینش امرار معاش می کند.دراصل مایل نیست که ازهیچ حرام و شبهه ناکی دوری کند.به آشکارا حرام خواری می کند.اگر این احوال

اوبرخلق هم پوشیده باشد،برخواص پوشیده نیست.مبنای تمامی زهد وتقوای اوظاهراست.ازهمین روست  که ظاهرش معمور وباطنش ویران است.

ای راهرو حق ،ازغیرحق دورشو.هم دربرابرنفست وهم دربرابر خلق مانند مرده باش،که پرده میان تو و ربّت برداشته شود.اما اگرمیپرسی " من چگونه بمیرم؟ " چگونه مانند مرده باشم؟ ما به تو می گوییم که :

" ازتبیعیت نفس وهوای نفسانی ، از عادات دورشو، تابع خلق نباش ، به وسائل ایشان متوسّل مشو،امیدی که به آنها بسته ای را قطع کن.سهیم کردن وشریک کردن ایشان را رهاکن.-ایشان را شریک خداوند قرارمده-ودرنتیجه هر  آینده ای غیرحق را رهاکن . تمامی اعمالت رابرای خداوند انجام بده .نعمتهای اورا با حرص طلب نکن .به تبدیل قضای اووتبدیل افعال آن رضای خودرا نشان بده.وقتی به این صورت عمل کنی بانفست مجادله کرده ای ،وبا تقدیرالهی زنده شده وحیات خواهی یافت.دیگر قلبت مسکن عشق اوخواهدبود.اوهرطور که بخواهدآن مسکن را تغییر میدهد.قلبت درکعبه   تقرّب به او جای خواهدگرفت وباذکر او دیگران را فراموش خواهدکرد.

ای رهرو راه حقیقت، قلبت راباخوردن مال حلال تصفیه کن، درهرصورت قدرت وعظمت ربّت رامیدانی ،دراین صورت لقمه ات ،خرقه ات وقلبت را ازهرگونه حرام وشبهات پاک و پاکیزه نگاه دار. اگرچنین کنی بنده ای پاک خواهی بود.بدانکه تمامی اشیاء باحرکت دادن اوست که حرکت می کنند، بانگاه داشتن اوست که می ایستندو از حرکت می افتند.زمانی که این حقیقت

برای او ثابت شد دیگراو ازشریک قراردادن خلق نجات می یابد.خلق نیزازچنین نسبتی نجات یافته به راحتی وآسایش میرسد.زیرا جناب الله با   هیچ چیزی که ازجانب خودشان باشد،خلق را سرزنش نمی کنندوچیزی ازایشان نمی خواهد.اما تنها اجرای شریعت یعنی اجرا وامتثال اوامر الهی را   میخواهد.واز این رو که تا حد لازم برای درک این موارد به انسان ها لطف فرموده اند،درصورتی که انسانها این نعمت رابخوبی استفاده نکنندایشان را تعقیب می فرماید.بله او بندگانش را درمیان نعمت آگاهی به ایشان بخشیده واوامر واحکام خودش قرار داده است.دیدن وشناختن احکام الهی واجرای آن نسبت به مخلوقاتش چنان عقیده ای است که حکم او باچنین چیزی ابطال نمی گردد. زیرا تقدیر کننده هرچیزی اوست. ازاو نمی توان سئوال نمود در خصوص اعمالش ، اما از خلق درخصوص آنچه انجام میدهند پرسیده میشود. این چنین است عقیده هرمسلمان معتقد وموّحد صاحب یقین .دانسته باش که جناب الله ازنفس تو واز صبر تو مستغنی است .به هیچ چیز محتاج نیست ونیاز ندارد.فقط او به اعمال تو و خدمات تو نگاه می کند. آیا اورا تصدیق می کنی یا تکذیب.آنکه دوست داردمالک هیچ چیزنیست ،همه چیزش را تقدیم محبوبش می نماید.زیرا تملّک نمی تواند درکنارعشق واقعی قرار گیرد. عاشق حقّ هم ،وآنکه دراین عشق صمیمی باشد،نفس ،مال وسرانجام ،خودرا بدون تردّد به اوتسلیم میکند.اختیار خودرا رها می کند وخداوند رابه دلیل  هیچکدام ازتصرّفاتش تحت اتهام وسوء ظن قرار نمی دهد.برای رسیدن حکم اوعجله نمی کند. خلاصه اینکه هرآنچه ازطرف حقّ برای او می رسد شیرین است

.باتمام وجوه خود به حقّ رو می کندودیگر چیزی به نام جهت برای او باقی نمی ماند.تنها یک جهت ویک سو برای او می ماند.آن هم عشق حقّ است .این عشق هرچیزرا ازقلب خارج می کند.وقتی هم چنین شد تودیگر نه دنیا را دوست خواهی داشت ونه آخرت را، حتی ازنفس خود متوحّش میشوی.فقط وتنها با خداوند جلّ وجلاله انس می گیری و راحت می یابی.

پایان مواعظ جناب عبدالقادر گیلانی در کتاب مرواریدهای دل

وصیّت نامه جناب عبدالقادرگیلانی ( قدّس سره الشّریف)

ای راهرو حق و حقیقت، تورا وصیّت میکنم به حرکت براساس تقوی وظاهرشریعت.اینکه قلبت را درسلامت نگاه داری . بافراغت نفس ودل گشاده ،جوانمردی وبخشش کنی.صاحب چهره ای بشّاش باشی .دست دهنده داشته باشی،بدون توقع ازطرف مقابل.

رهاکردن اذیت وآزار دیگران.

وتحمل کردن فقر و آزار.

به بزرگان با احترام باش ،با برادران وخواهران دینی ات بخوبی رفتارکن.به کوچکترهاوبزرگترهابا بیشترین خیرخواهی رفتارکن.بادیگران کشمکش

نکن.باهیچکس دشمن نشو.شعارخودرا شفقت ومرحمت قرار بده.فقرا را نسبت به نفس خودت ارجح بدان .ازجمع کردن ثروت گریزان باش .

صحبت باکسانی راکه درمرتبه مریدان حق وآنانی که درمرتبه وطبقه ایشان نیستند را ترک کن. درامور دینی ودنیوی تلاش کن یاور مسلمانان باشی.

توصیه میکنم که عزّت نفس خود دردوستی باثروتمندان وتواضع واخلاص خود در دوستی بافقیران را ازدست ندهی.

انجام چنین اعمالی ورهروی تو دراین راه باعث میشود که عظمت وقدرت خالق رابتوانی تماشا کنی واین تماشا را ادامه بدهی .درزنجیره وسیله ها الله تعالی راتحت سوء ظن قرار مده.درتمام احوالت به خداوند تکیه کن وآرامش بیاب.

حق برادران وخواهران دینی ات را با تکیه برمحبّتی که بین شماست زیرپا مگذاروضایع مکن.به صحبت بامساکین وافتادگان با حالتی متواضع ادامه بده.

مبادا ومبادا حسن ادب وجوانمردی خود را از دست بگذاری .نفست را بکش تا زنده باشی.نزدیکترین انسانهابه خداوند کسی است که ازنطراخلاقی زیباترین اخلاق را داشته باشد.بلندترین اعمال رعایتِ التفات نکردن به غیر الله است.

توصیه به حق وصبرنما.ازامور دینی دوچیز برای تو کافیست:

صحبت با فقیر و خدمت به ولی.

فقیرواقعی کسی است که بجز باخداوند هیچ ثروتی راقبول نکند .ضعف واقعی ،تهاجمی رفتارنمودن دربرابر فرودستان است.

کبر وغرور واقعی ،رفتار متجاوزانه دربرابر کسانیست که از خود بالاترهستند. رفتار این چنین دربرابر امثال خودت عین اخلاق بداست.

فقروتصوّف هردو اموری جدّی هستند به آن امور چیزهای تمسخرآمیز قاطی نکن.خداوند مارا ،شمارا ،همه مسلمانان را به خیر وخوبی ودرستی موفق نماید.آمین

درهرحال وکارخودخداوند را ذکر کن زیرا که ذکر جامع همه چیز است .

به حبل متین الهی باقدرت چنگ بزن زیرا این دست آویز الهی ،ضررها وخطرات را دفع می نماید .خودرا مهیّای رسیدن قضا کن.زیرا آن واقع خواهدشد.دانسته باش که ازگفته هایت واز کرده هایت مسئول هستی .درهرزمانیکه زندگی میکنی مشغول همان چیزی شو که مناسب تر است.کارامروزت را به فردا نیفکن.زیرا درآینده کارهای دیگری خواهی داشت.

مبادا ،مبادا اعضای بدنت را درکارهای غیرضروری بکاربری .برای هرعضوت نیکوترین کار را برگزین.ازآنان که حق ،به نام خدا ورسول خدا حکم می کنند اطاعت کن.حقوق ایشان را ادا کن ودرمواردی که مربوط به خودت باشد عجله در گرفتن حقت نکن.هیچ وقت دعا را از دست مده.درمورد مسلمانان صاحب حسن ظن ونیّت نیک باش .درمیان ایشان مانند یکی از ایشان باش ،

تلاش کن آنچه که برای ایشان خیر است را بجا آوری .تاوقتی در درونت نسبت به دیگری شرّ و یا بدی وجود داشته باشد به رختخوابت نرو و در آن دراز مکش.به آنکه به توظلم کرده با خوبی وهدایت دعاکن.خداوند را به عنوان تنها مراقب بشناس.بدنبال لقمه حلال باش ،چیزهایی راکه نمی دانی را ازکسانی بپرس که برای خداتحصیل علم کرده اند.درمقابل خداوند دایما با حیا باش .صحبتت با الله باشد.بادیگران هم درمورد الله صحبت کن .هرصبح به اندازه وسعت صدقه بده . وقتی که به شب رسیدی برای مسلمانانی که درآن روز فوت کرده اند نماز میت بخوان .

صبح وشام هفت بار این دعا رابخوان  : خداوندا ما را از آتش نجات بده.

وباز هر صبح وشام با گفتن

اعوذباالله من  الشیطان الرّجیم ،سه آیه آخر سوره حشر را تلاوت کن.

تنها خداوند است که موفق میگرداند

ولا حول ولا قوه الا باالله العلی العظیم

کسب درآمد ازاین ترجمه جائز نمیباشد

ح.ک.مقدم